مي خان اد مدري (۱۹۹۰ د راي ۵ به د ايي اد - هاي رواسه (۲۲ ن خون اسر دان په د او او ري د داد د داد کاکان څاه اد استان ه کومه کار در کوه کا مان در داید وه سرو مان محمد کار در شود رمان این کار در کوه کا در در در

ده دین است و بو هی بیمانو سر بر صحیت هو ای د خارش خان ۱۹۳۰ سمندانی بای میذرد و دانو

ا با الدرقية فراسان والمعرفين وهذا المهرس قرامة في المدرس الله في في في الراق الله الله معرف في المهرس الله المهرسات القرارسات الله مراقعها المورف المهرسات المعاملة المهرسات ديد في المعامل المهرسات

بدي و و فاهد و افره 10 ميد ند فا ن سر ره اينان ۲۰۰۱ رستر 10 افتدا بر فيدان فرا د اي در در در مدن به حمل می فاهیدر فته به رواستم رسا می برده کی در کافر است

الله النبية في بالأخير أو الرياسية 100 هـ 100 من 100 م المراق ا

ر الرائي حريق هي 100 مده مدين يوسه ميد والمائي يده المرافق في هي الدائد من خوا يوسه رسيه المرافق في الرائد المدائد والمرافق المدائد المدافق بالمدافق في الرائد المدافق في الرائد المدافق المدافق المدافق المدافق المدافق المدافق المدافق المدافق المدافق ا

ه خارو الرياضية فاق قد البناء حيث الآن له الزان بر الا الفقي ملك به بالطالب الراحي الراحة .

وره در است وره ۱۹۰۰ بر طور و وکیس تر است وره ۱۹۰۱ بر طور و

الله المادة والمادة المادة ال

ما در هوی این من ادبین بر خارده در این دارد. این استر در مایا و ادبیان بر میااند، خارده، میل این بستان بی مدید مسر می مید این و زارد، ای من و می حالا میسود و است

1,000

الدهم من روشي الاحداثات الدينون الانتجاز الإنجاز ومن الدينون التي الإنجاز الإنجاز المهدار الإنجاز الانجاز الانتخار الدينة المالية أن مساحد بين الانتخار الا

and as provided

بدی برایده. به کارتان ۱۹۵ کار مند چنر بر سند بر مرد. را داده از طب در طبق با نظامتر برده کسر

المان المان

رات فلنال هار حيد ايم الدنيال الشراعة 1 رأسه (16) الرميد اي وي ال

ده در دیر و غیر در بعدار دیر عام سید بناه بده کر دید ۱۳۹۵ در هیز در بعد ها است. با دهن در دای د بعد در کی معدد در سیار

ر منطق في همون الخمير الميان البري من المستقبل المريخ من المستقبل المنطق المنطقة المن

ر آثار آثار، حائم بحراب حداث خواب ا الله : الراحد أن بعد أنه الداخط أبر حداث لهاره (۱۹۸۲ مورسول)

در است. به روی در این معدد فر به در در ۱۳۸۰ مد و در در از در به در مراز هر در در معید ام به در به در مرد در به در است.

بالادارية بالادارية والمسافرات الاجهادي المرافقة والمسافرات الاجهادي والمسافرات المرافقة والمسافرات المهادية المرافقة من المرافقة من المرافقة من المرافقة من المرافقة من المرافقة من المرافقة والمرافقة والمر

رباد النبع الأمل عند لد ي الارباد (۱۹۰۰) واحد والتي الأمل بدول الم الدائمة إنه وجوع المد وفي الأداء في الدولي الدولاتين بالباد المثال و

الله العبد الرسادي بالا ۱۳۰۰ مر فو الرسادي من الا العالمية فاقي من الرسادات مرافق الا المرازعة المرافق والمرافق المادية الهادلة الا الا ومداد الرسادة والمرافقة المرافقة المرافقة المرافقة المرافقة المرافقة المرافقة المرافقة المرافقة المرافقة

رای کا بازیده از بازیده و بهای درست به برخود کو دادیده افزاد این از درست به بازیده این از درست است به برخود در این درست این بازیده است به بازیده این درست این درست به بازیده این درست این درست

A 100 CO 100 CO

100

و منط آیدان المدین و این سد باین عدی و بازد الروب او خانسوره ۱۲ (۱۳۰۰ بای خانبادید ۱۳ و د آسد و این خاند و اسال صفید د اسد و صور ۱۳

لرياد الباق 10 الله الله المراة معمل بالدخالة منه را حالة الما في أن خاصرات المحدال المراجعة من را ين ماه في أن منه قياد أن الدخالي الطاق به والمراجعة في حياة أقبها أخ

of high the grade of the grade of the grade dependent of the grade of the grade management on the grade of th

رفته در فرود روس که ده رفته دارد به به ۱۳ است. ویا فرس ایرین ایرین به وجه ۲۰ و ۲۰ به ۲۰ به ۲۰ به در رویه در تهرینستن در امرین وستن در استان در ایر وی درین ایرین است و درین وستان در استان در ا

هود ارداد همید کار در آن سد انباد کامی بسی هم در در دن

المن المراجع المراجع في طل المواقع المناطقة الم

ره ده دو کانه سد ر بدار شر ر تیسی



پاجاد الحقول بأن طبابا العربين المهارين المهاريات الا الماريات الماريات الماريات المهاريات الماريات الماريات الماريات

ره من من او او این از او این این این در این روام این کا و اسع ماراند:

ربها حبيد من براتي، فعلي من آن ربط من آن دم عن ∰ به استر استم عند فاميم اشدن در عارضه فعل فان فاناظ منائد مناشعه ا

دار دی اداری و است. ۱ در مده برد در می را آن ادر در آن داد در آن رواز در افاد در آن در افاد در آن می در آن میشود.

به فایل بری در ده اصب ر مار در می امر الله با این دادند : در باز اصاب ۲ - بسید آمر دید سید در آن راه راه اصبال در

باد افران هـ ۱ - برخد آخر بیده ایرانس و آن بخو دستو بر خاد در در در آن در باد دارانس داشته در در در

and the second second

وحيد أم رود اللان من 4 العلم والاصبية ع. الي حرو في السيخ على العلم وجواة المار وينيان.

مراه بالانتشار مديد از آن ميادات و هذا سندراي خدد مرر مر در حراق دخ مر حيدات الدرميا مروض خد

A THE PERSON NAMED IN

ad this will draw

or was being the second

فأرحت مدورا فطار مرفوط مثاني في الأب الله

Accessed in Part State of State Street

ر بدرا کیدا کرد که ده و بر در فردگوه شرخت در این بادر در کرد داده های در بروی هی قرادی در کرد کرد با در در کاد و است بادر هم در ادار کرد کرد بازی در فرد داد کرد کرد بازی در در ماهند بازی در پایشد رسود کاد کرد

والمورد الدينات والدينة على من الماسط ويطوع هي ريب فاعراف الدين تهيد الله بدالة الرادة بدائر الفاقة القرائد الي بيد حا المالون الفاقة. فقد المالة القرائد اليسوان المساورة المالون المالات

we have a few or the few of the f

ود بد فيو يو خالمو تهيوه ۱۰ ده ندهم. داداد

الله في يومة فيقد بن مثير والاستواصات التي المدافقة التي المافة التي المافة التي المافة التي المافة التي المافة التي المافة المافة التي المافة التي المافة المافة

الرحافية ومن فرواني كالروانية المعارة والمنافئة والمناف

Service for makes of the party of the last of the last

100 pt 10

وید کر دن خدم کی خصور به ۱۹۰۵ دیدند کی بود کی حدد قوارد در در در در ده خرب شدر خوا می کاری کردن در ادامت از کارکن کا می کار در در در در در در در حدد در در کارکن در در شدید کسی صد

سند المطال في القالي الأيمية بالرشق المعارقين عن 1 1 1 كالموسر فين المعارضي في الراد وراث من مريد بدائلت في المريد وراسة كان ركمة في 10 مريوس على سو هر فعن ۱۵ فيلو هد بند ايي در سن بند در ال سيد اد محمد اد سن دين دين دونانون

الله او الدي في حقيد الدوه (۱۹۹۰ ع) الديد ك. بعد الآله الآل الراحي بالرابية بالراحي الديد التعني بين المأمر أن مسارر هو الد

الموريخ الموريخ مصوري المداريخ المداري

٠.

٠٠ بر موطوع والوسو

Beignalin myg

1870,000,000

Ye > Marcal

استر من آن پیستان من به من من من پیش که ده الله این قبل بازگی کاد آندی قبل آنی باسیو بر آباده داشت بیان ۱۹۵۹ میدی فیز آنامی داشت بیان ۱۹۵۹ میدی فات آن در ما آنداد میده

ناه المادمي عن عند عن الآنا بالماد عثال المادارون عن عن مراح المراح التي يأدور بدورات تصرف المدارون وأراد أو يتل التدريق التورانات عن القويمة ا

الرسد بالمردسيون و المرازية المردون (المرادسيون و المرازية

و با المام (۱۹۱۱ او طولوند او الواسط و بند. والمناح مل ملواد مر

شده پیشاند. افغان دود بیده کو فیده مو در سه مو مراق ها: در ماکوماً فاکریسید در

بدار الديني في طرق البارد الدين بيد من مراحد مداه دريد في حدث ميادد المارد الدين و در الر مداد الراحد في المحمد في الدين في الله على الدين في المداد الدين الراجد مراجع في المحمد في الدين الدين في الدين الراجع مراجع في المحمد في الدين الدين في الدين الدين الدين في الراجعة في المناد الدين الراجعة في الدين الراجعة في المناد الدين المراجعة في المناد الدين المراجعة في المناد الدين الراجعة في المناطق المناطقة المناطقة في المناطقة المناط

ر بادار در شهو پر طفه اداخه الشاطع د الدر شعر اداخه در من اعداد الله الله باداخه الداخ منابع الراح المساور العالم في الدر منابع الداخه الله الله من الراحة من الراحة الذاخة المنابع الراحة الداخة الله الله الداخة الداخة المنابع الراحة الداخة الداخة

ه به دو آیدا پات کان است بنده و اثاری راد باد دو میزان مراد الهاردان به در اسه است.

مرد هر رد او دره (۱۹۹۳ مرد برد او درو المعمر الله الا دو او مرد رد وه الا معام

الي مدين الشدين بالرائد در بيان فالهريل باليمار هذا عام يده المسمد وبالرياضية بين الانها يدخله برالزم اللمع إلى الر المارات الله يدخله برالزم اللمع إلى الر

الله الشاه المنظم الأدامية من وقد يسمأ في بالدائد الله الدائد الله منها 100 وقال اللها في 1 ومد منها المواقع ما الدائد

معادر سر بر دنهایده ۱۹۰۹ بستر دی ر در در ده در در در دانا اسان با

د ارتباط القر داد المواد المدين المراد المارة الراحد في طاقه الماد الراحد المهار الراحد المهار الراحد المراد الماد المراد الماد المراد الماد المراد المراد

البرا في الرافق و الرافق و المستون و المستون المستون و المستون و

رین بندر : (۱) منذ می افغان مار سوادس امار دارد. زیر دارد: مند می ارده اصبیدی چه درد امار ادارا دردنامه خان میشوده اما

ين شري و در دن رادر دو در دو ده. ده کود در که دادر در است

پورهند در سر ای انتیار انتیار ۱۹۵۰ ایناد به بدأ اند

بيده القراق في طالبية الداني منامج المرداد ٢٠٠٠ و المدانة بدانات مر مدار ربه القمل من سند و والمدانات

نظر و بندو. الله القرائق هذا الاردوس على الانها الأنشاء الذات بال الد

ب اور ویش بر است وی در در ایندانسید با مدرد دیدا کر است این افر در مدی ی در کار اور افزاد واقد در اور بعد این در است وا

المار مار در المار ا المار الم

-2,--

ربيدا او خشده خيطو شده ۱۹۹۱ شد و او با ربانيد امر مانان اد نو مده افشاره ۱۹۹۱ افتان او نو د

رياقي في قوالي موافقة عندي معاويتها ويواطع و في يأو مشاه طوريها و والدائر فقي الواط المناب الدور الراقاء في الدرائي والمائم عن المرابعة في الواليد - براة الحراب من الاصل من الراس الاصل من الواليد

سع المعلى فعاليا المؤلفي في المبار عن وقد الرام و رواستها و معلى المام والرواس و الرواس

الله الرائد المرائد ا

د باده مر براهمان باز بردا به و بر به داند در این اهر این اراضه هی دند این اینده مید اه در سد در این این بدر دید دادارات

دری مرحو در او خان برده بلغا سے طرحه مترباً دائم مرحوج بردو خسوج الاحد بر التحاری کا معددست اس

or agent agent for Kartel

ال السدود

مرة الله بالرباع العامل الرابا التي منطاط ليم واللغل لا المراجات المراجات المراج المالي الراجة والقافة الراج ويما ومعاد

روزه الشاقي (۱۹۰۰ در ارضا ۱۹۰۱ و روز مان ۱۹۰۰ در ارضا ا روزه (۱۹۰۱ در ارضا ۱۹۱۱ در ۱۹۰۰ در ۱۹۰۱ در ارضا ۱۹۰۱ و المراوات (۱۹۰۱ در ارضا ۱۹۰۱ در ارض

به الما تريد الله بالمعترف و بالكري شيو شي يه الما تريد الله بالمعترف و بالكري المسيود بي معر والله المسيود الله المساود المي و معامل الرواح الرواح في يروي والالرواح الرواح و القال والاستان في حيث والما الله والمدود الله

به ها فرغو ي العب الرواة (۱۹۶۱ م) الما

سر المنا السيور الدانو بالواد الواحد الا ولا يتي مد المشابق (10 و ارد و المبار) والإنجار ال

ار ما عبدان می کارد و به خم اید: این ایده کامید خاص در این کامید در بخد این دیده کامید خان فیدا دی. درکه آمه دار سی در درکمیش راستان

American world file

ند کاربر جه ددهنمی بر جهانی، کارکند کارکار کارکار کیک اس

ری کینی کردار بازی می است. ریم کر بخر است شدید کر بازی به ام با دیاف در خود ترام بالی افر در جال بادیا و سر ماد الله فر خاص

i de como de la como d

کار استان کی سر می دونون کردی ۱۹۱۸ ایل کی در اما کی افتاد را او بر مصر افوا می کردی مدار درای اما کی در کردی در بعد پرستان کی بادر بخت بر حداد دادهان در مدید در موال بادر منافر با برده امار کسیده کامل کامل کرد مشاور می کرد

of her physical party

Annual State of the Principle of the Pri

4.99

رسر مادي فرشهاي فشق تشره ۱۳۹۵. والمد د مده اي ميدا داي ماد دفرها.

روز فرق فارق مطاع في دوره الدوا مساوري ما مد مراحق الدوسانة في عقد مدا وي مد فراق في الدوا على الدوا ن برور کی منطق کی در این استان ا استان استان این در استان ا در استان این میشان در این استان استان

رزی طبقه ۱۹۱۸ می ایند در حفظ می ۱۹۰۰ می در بازدند رزید می طالع را افتاد می آنی افزیده مید کد را طبقه می مقرف محد

ورد مرده در منه او الدور ما مد او حام الد من قرم من روز ومنور الا مر استراه الا منزو والورد في المنزو أنواء بعد مع العراجة مر فرمانين رافد الد

ورانچارید د. پهرميزون بهايزون دراند. افران د



الا يعرفون بين طاحه على بعد بعرف الله الله وقا اللهم أو يسموا على اللهاب ، يعن المالا . التأمن ، يعن الإفاق عبد أحد الله المراجعة

and of the last

الله على الأراضالة دياة مهم الرياض مهم و من المواقع المستواني ويريد المستواني ويريد المواقع المريض المستواني ويريد المريض المري

حدد والمطابعين الدرائين كالوائز بيد فيليان بيد و الله أنها الوقيق في العب الرقاع الرفاة بالدائر المحدد العرق الرفاع من الوقاد الد

به خرم محمور خصیه بازده بیشتر به بازر بیشتر در محموره برده در خود بر خمیم ازده بیشتر برد. باد خصه به هر خمیم ادامی درند و میشا. اند بخود آدران برد از آن د

د العوال المام و الا المام . و العوال في المعمول المام . وقد أثر عوال بيدا.

. .

۱۰ در دور صر برخو الد سرخوا دار برخوا ودرنا النام قبر الله هيرج حيده وهار بهد الرفاعة ، إلا ده ، إذ الرفاعة الرب الديفر المكورينية

يره هوهي داره د رفيط را ده رفيعي راوده في را في مدخم رايد في في ها مدار فدار مداة و آن از رفيد و آن را دفات استار 8 در دارد استار بان ما شدر دفات استار 9 در دارد استار بان ما شدر for all alternations

والد الحافظ الذي التي تراد سايد الآن و الد و أنه والمواولة الح

زيد ۱۹۴۱ رائيس دويغې و استدام آند آر برين ۱ ماديز بلغارد کار ساميا څخپوه پيند دي واند د چام معدد باد اساي بايي، شد

والمناصل والمارود

الراقعيد دارور به صواله در الاراديد. درور الله . الد والله الدرور الاراديد الراديد الله الدرور وا

د الله الدين الورائد في طالبه الاستحداد عود بيد الورائد في ما والدار في الدين في الدين والمساور عد فيه المساور الدين الورائد الدينة الذين والدين الدين المساور المساور الدين الدي

بالشاري من الوقع في خلقونه (۱۳۱۱ - برود ها الحديد ود بأده بر موسى حديث بالمناسقي بعن المد برود البيض (۱۳۱۱ - والديكاني (۲۰۱۱ - الماعت من البيد د بروسي الله الماكا بو الشارك و الماكان من البيد ن دور بیدن مرجون چانها کالتونشر خد دع ههد برغیز مید یا باشید کالا در دید این برگ کاردرزو در قدت استرسخ در در

ص فیلو و طبو عبره ۱۰۰۰ ۱۰۰۰ سام

در مناظلات الدران المسودات المراد موسول الموادد ويون المراد المسودات المراد موسول الموادد المراد المراد الموادد المراد ا

العالد (1) بيواني فيوطي فيين والأربط الما الطول المحافظ في مع الإطارة الما الدول القد من الد المحافظ في الإطارة الما الإطارة الإطارة المحافظ في المحافظ في الموافق الإطارة الإطارة المحافظ المحافظ في الموافق الأليان "الإطارة المحافظة الم مراهده محدق المراهدة والمراهد والمراهد والمراهد المراهد والمراهدة المراهدة والمراهدة والمراهدة والمراهدة المرا المراهدة والمراهدة والمراهدة المراهدة والمراهدة المراهدة المراهدة والمراهدة المراهدة والمراهدة المراهدة والمراهدة المراهدة ال

د این ارس در وار به در ۱۹۱۵ که که استرازی آیا در این ایند در استرازی که که استرازی

بسیم جات کیے رکانے واقعی دو باللہ عبدہ آباد خور سند در واقعی در اللہ در بالد در سرسات برید کیا تھی کہ در در اللہ کیا جدر در خاص کی بیشتہ آباد میں کا در در اللہ کیا ہے در خاص حراقہ میں

رون ایندا انتصابی ۱۸۱۰ در قریر انتقار این ۱۸۱۹ در قریر ده اگذاری این این این این با داختران ۱۸۱۰ در این پیدازی بورند بر روز در این با داختر ایندا در ایند و ایندا در ایندازی این بازد این ایندازی ایندازی ایندازی

وال الروبي إلى في القول بية علم حد مد المر والروبي و الطمع فيضاً (1967 أم يسر و القو مصر أن هذا يراضية بروية والي بسيا أن مد أن م القرار الله في أن الله أن أصد أن الدار المراضة الدر من المالية بين المالية على أن أحد المالية من الدر من المالية بين المالية على أن المناسقية بين المالية في المالية المدالة الله في المناسقية بين

يدي الديمي في المواد الرسيسية على من المداد المداد

وحالت خود در الخاصة بيخي در آليب واليد واليد در سد هاي حد ها در آليب در اليان الذي الي الا الر المسيدون السابق درا اليان دراد مردي خود مي ميا در دود درائي حب در طي در دراي در عدد واسط در الراد درد الله دراي التي الله الا السابقات الذا

.

and control for the part of the fact of th

یدی بی سیز بنده مخید وقت کو باشید کو الاصد رینکار کیر رفتان والدیا الداد الا والدی مشارعه می الدید والدیکار می مدار می می الدید الدید والدیکار میاز بارد این و می می الاست و الدید مداد

در با المار حج ما المواجع في الا المواجع المار الم الم المواجع المار ا

8

عبد شیواند الدارشها و خواهی ادامه الدارستان بر دی دارد حبد امیا حداد و ادارد او اداره خو این های است میده او است بحید ای دار

200

رو ر ند د دم د ده

رياد اليون يو المسيرية (الدانة الميد من الد وليم الدانية في الإدانية السيوائل المطور عرادة ليانا المناء

• •

قرة كان منيه كان وكا كان حيا الله ومرا منية فان عاقه فإن منيه بيد مدند أمريد أن د بالاصطدار بنات بالبرام الأون

ره و باد المنظم في ايناه د بادر الوران المورد. براه كور بازد المام الله بادر الوران المردد و . ا براه من براكور مردم الاحال المردد الراه المام

A control of the cont

يان اليو تر المينية (100 المواد تر عدد يها أن مها والقر المها تر يعون أكما أن علياء فالتي أن الله الذينة لرسوية ليان يرت فالمان الذائمة بالأيراد الطار بازان يود فالمان الذائمة بالأيراد الطار بازان

راها ۱۹۹۶ کا سر دین کا او متیار دیا۔ ۱۳۰۱ مام امیا و خراصانه ۱۳۵۱ کر سا

داشيده رمسوا تر ماراه پر ديد ۾ ورائيري در درواد مين ص

.

اروز واز درمون شا في طبق فالبرد (1907 هر جا) درد اهر مدرد سان الد

و الطواحة أو يُولنان بكار الصامين المد. وعل الواجع في العب الواجة الدارة عن مناصر المحاجج

and the second s

وراي الماري به الله في الاستخدام المناول الماري ال

الله المدين من يده القبلي في خالية الدينية (1975). وفي خاليمة الحد في السيخ المدينة (1977 في مرافق). مدافقة في علم الله المستدانية في عراض مدافق. النظر عدد في أنه في مدافق الدينة المدينة في المدينة في المدينة في المدينة في المدينة في المدينة المدينة في المدينة المدينة

برانيو خر فاقي ها، 100 اير تستر _{ميدر} پند هيء افتا أور در ميار در فاشط ريو در آر ايد



هور سنة والنف فو حد فيون في أطوات والمراد 4 كا فيك التراكية كا في منا عد يم والمراد الله إلى فو التراكية والتراكية في المراكزة ا

لوارمية ويافرون والواقع مان المعاول بيدات. عام أمر الحق أقو في ويعر مانه موجه ويع بدسه ويروانون الماناة منو

با البطية (الحدودي (عدد 1960 بالمبيدي) (1960 القوالي طرف معد الحيل في أمريد الله الحديق التربيطية الالكوني 1904 الطباعة. الكار الطبيعية إلى 190

د الجويد فرود الفط التراضيف ومن الأنظام الله يعلن المراضية المعاولات المديد التراضية المراضية المراضية الراضية الراضية الراضية المراضية ا

سی وط قدم بی وابد می این دیش وین سر و باده و آو می سر بی باید وید فاریز مسید دارد مدر وابع میرد

(4) حيدتان مايسيد البطيع إنامه ويصحفرسم المحافظ ما البطيع المحافظ المحافظ

ر المراقع الم وقال المراقع ا ولا المراقع ا الما المرافق المرافق الما المرافق الم

را الله الداخر و الطابعة الأدام المنطقة اليما منا المنطقة الم

A CONTRACTOR OF THE PROPERTY O

یا پیشد میبید کار بیشندی رسی افغاز کید دیگر کار کی میر بیاد داکل کی اداریک ۱۹۰۱ می شود: رسی کار بازیک در اینکی را کیدا

ر مدن پار معرب مرحم به باید و دار کار در دارد در مو در فراه پیشد در ایرانی کار از دارد در در ۱۹۹۵

ان المستوعدية الأولى المستوعة المراز المستود الماء اليالي (۱۹۲۱ م طرق المائل و البات المستود المراث الراضية الراضية والمائل المائل المستودة ا

اد کی حودودی کال ماه در بنی با کانا فرانده الذارینانی کابا دراد سایر کی کاستین ا در بنی بر بنی با الذارینان کارد دریا کاستین کاب

ما العلق (۱۳۰۱ بر فرو الديونا عبر دن عبور . 1 العلق (۱۳۰۱ بر فرو الديونا عبر دن عبور . 2 العلق (الدين فريانا فرين الارساد ريت

مراه الرحان الأكانات الاعتماد الدستان سريان والله أي المراجع القرار ما المرسور القارات ا الأراجع في المراجع الأراكات المرسور القارات المرسور

ر محد می ساعت محیطی در دریا و میبیده . . التباد مثر در اطاعتی محیده میباد در دهد المطال در ساعت و داشتند دریا در دریا در

الله المنطق في سير أي القوية (110 1000 ML). والمنافق أن الله سال: (الراب المنافق الدائم الأليان).

الناب الخالف في مطالها ويستم خ 60 هو. هند قدم خال خالا حالة ولند عو هاي و. ولي هايدا عبدار 10 سفر على حين حالا بيناند القا الراد الثا يد التي بينا جداد فيقط در حيد بد عداد و العبد الدارد.

A THE ME THE STATE OF THE STATE

ر المنصور فيه الإستان و الرحال و الاستان و المار و الم و المار و المار المار الله المار المار المار المار المار و الم

ر الرحام العمل معطر بين أوارسات راهم في الرحام بالارسان بينا عدر الرحام الرحام الماسية في الرحام الدا الرحام بالرحام الماسية الماسية

مه فر سر مدافر مید در مدره کا آداشا مد در این مید ۱۹۰۵ این آدام این آدام این داشت. از برای ۱۹۰۸ این مدر برد که وارد در مد وه فر میدر مدر است. از این کنتر کرد: روم مداردهای من المستقد في المواقع والمستقد في المستقد ف

راه داو که مدانده داده درستم ۱۹۹۰ و برد و او درست محدود درست است. است بدور درست محدود در ادر در درد در

المرافقة من قائد بدق بيان عادد. إمرافقة منافقتها (1970)

ده البير و رسمان مسلم (۱۳۹۶) القرار في الداخل في الداخل من المدين المديد مر دوران الما مر دوران المالا مراد و به المساور و المراد المالا المالا و المراد المالا على المالا المالا و المراد المالا المالا و المراد المالا و المالا المالا المالا و المالا ا

الله المحاولة المحاو

که معنو در سر او وادرات (۱۹۹۵ از ایران این سال و افزار دی میدان از افزار از ۱۹۱۵ از طور ایس خار بیدا این و برای پید داند این بیدار از ۱۹ ای از ادام در برای و برای و میدارد و از استان و ادام

رورهم خرج ارصار بداو به رمای بخش با کا ایر ای بدارید بدار با کا ایر فرد بدر بازار با النام با برای ایر ایر بازار به ایران با ایران بازار با النام بازار بداری ایران بازار بازار بازار بازار بازار ایران بازار ایران بازار بازار ایران باز

روان في حاري هاي الانتخاب في حدد د الله وهم وهدا و هي دو في الله في الوسط ال حدة الله المعطف الروان في الانتخاب في الانتخاب في الانتخاب الروان و المراقب في المعطف المراقب المواقب المواقب في المواقب وه ما در او دان در در ۱۵ ما دان کند. ده و دان دان در در ۱۵ ما دان کند

ر هاي ميان المحد يو داني الرياض الما المواجع الما المواجع الم

و القدار والله الكوارة على الراسع برا على ان الله في طي برائي حال الان الدراعة حد والد من أن أنكر عن **إن** علم بعد المرد المعد بنك الرائيس الرائيس الرائيس الكوارة الكان المائيس

Application of the part of the

ری سال حق عودتوسود روی می می می لود و المسهد الله این او مادو ای وی الله المحلف فی می است ماه الله این الله می در اما المحلف فی الله فی می الله الا مراس

ورد اداخل بالله في دو اصف بده است بر على اور الد بي احد الرحل الرحافيل في بعي الحرار الرحاق الدور بها عدد است الدائم في الأراد المعاد الأوراد المائم في الدائم المائم الإسادة الراحات الدور المائم الإسادة الر

روزه الشاقي الراقال الراقال (100 والروز الراقال الراقال الراقال الراقال الراقال الراقال الراقال الراقال الراقال والراقال الراقال ا

والراه المالي في القول المثال في حيد المتدا والحيد من على من التي في في المتي على أم حيد والمدا والمتدافق المتداور ويدوان أنه والمتدا بدوان المراكز المثال في المتداور المدافقة المدافقة المدافقة والمتداول المتدافق والمتداور والمتداور والمتداور والمتداور المتدافق المتداور المتدافقة المتداور المتدافقة والمتداور المتداور المتدافقة والمتداور المتداور المت

رو رشد در سه درستان بایداد کار صودیکش در باید درستان به خاص در ایداد کار حرف دار باید درستان بهاید کار طورت در باد در ایداد نظر باز سعد برفانش به درستان با محافظ سعد کرد در باید درستان در آن بیران می امالان سعد در ایداد در ایداد درستان در آن

الله المراجع المراجع

د پند تو ماد شر ۱۳۵۰ تا ۱۳ ته پامو در ۱۳۰ در ماد

را در آن می هم در بر هم در بیش در باید در بیش در باید در شده الدور می شد. الدور می شده در الدور می شده در الدور می شده در بیش در بی در بیش در بی در بیش د

د حدد دخل دار جو در حادثهٔ اگر امر هم برخی البرخوان در در جو از بادر شارید هد البرخوان در شارید هم

ر المراقب الم

ام القائد من التحديد من من من التحديد الأشاء أسبالها من ألود أله المسي من الموازيد القرآ الدالة الما المن من على المناز إلى من الرواقا القرآ الدالة يما الأر طالب عمل الإسلامي الرواقات المناز المن المناز المنا

د يمر عاده درمي ۾ جو ران فرزي اوا پيئر ان اداد آن فياد ناد ماڏا آن بدائيد سند

هي. په است د ۲۰ وې در ۱۳۵۰ راي در ۱۳۶۰ ري. راه ۱۳ وادواني د ۲۸۱ واپس ۱۸۱۰ کښر در دو

الماد و الماد

الله الوطاع (10 مسال كار الطار المورد بالا من في و الطور في خال ماله وهي ومن الطار ها المدن بدارها من من الوطاع والا المواجعة والمساسب وراساني بقالم المالسون بالاستوار أي المدن والوطاع المالة المالسون بالاستوار أي المدن

THE LEGISLANCE OF THE PARTY OF

الدائدية (1000 من 1000 ما المحدد الأموال في حدد و الدوم في المراجع (1000 ما يوم) (1000 من مدد مدد

and the second s

مثل بهر در مثل المثلة التركاب بينها، الد بالد اليكن (۱۳۱۱) حد المثلة التراجية الدين بعد بدأت المثل

د ایندا استان می داده . د با استان از دوارد استان ای در اراض ب

د دی جود پر صور اینا. بدر از این ساز و جوز ۱۰ ۱۰ سند ای برد. از

روه وال و اربيع حيد ماه فات به ايم وي روه و الدير بيدار او خالياته الداماء بداراه من بيدا بدارا الدين معرضان معن برادا الديم

مد الرود باد ادا

التو القرائل من والقراء الدخاطية حال المراطقة ا

هاده ارتباد با محمد ورجه های صورت اصفر اصور داده ایش (۱۹۹۰ میلواد) امور بها میداد اصد داده این درد این دانشده است. درد این درد در درد داده شدیشش دادودی، رسد در ده اصورت این (۱۹۹۸)

ب الدفر خربان بده هداد بالرس بنو منزو ماند. ۱۳۷۹ - سده آن بالا بده ن حيث مناع بالراد در در در ادب در بده الجها در خاله در بيان 8 -داد دردا بيان بده الجها در خاله در بيان 8 -

A CONTRACTOR OF THE CONTRACTOR

A THE RESERVE AND A STREET AND A

را در در او در دوم و مرد بدار اما مده دو در سام و الدائمين طرافتين

...

ر پير هو يو خو يو نه ده اند اند يون د کاري از هد او يا کار ار ان پر استه اند ره داد در پی از در اندا خود است

الله الرائيس فارسطون الأحديد الرحم فارسطون الكاف والمراض المارس والمراض والمراض الماركة المراض المراض فارسان

و سان فایا ۱۳۷۰ به به باید و بروی ۱۳۳۰ در فای معمد دار در فر ریکاره معمد در دار فرس سوسه که از سو سه امر

And the second s

نه المدينة النبور أن منظ و القرارية الداكاتان من ال را با الكان وال الرائد الإساساني بعد 6 م. مد الماكاتان والماكات الماكات الرائد الماكات الرائد الماكات الم الله ما يدو المدر (10 ماها هو ما يرحان حالي الألية * در وقو في المراس ما الدين المراس المراس والمراس المراس -ما الوجيد والما الدين المراس ال

ده دادن دیک میشونید بازد. آیری اگذاره استفادی میشوند ام. بازدگار دادند این میگاه این طرق میشوادر ام مازدگار میگر می فرد.

رامير مه فاول فر فارد الآن الا فريند به ۱۰ م. به الميد أسر في ريو في مه قاب به يور برع ما المد فرين ما يمت ن عام فرايس و فار مرايد الارتفار فو فاحد في مدان عار بارسان مد

د الارتفاد أثل فاحد في معد بن عام وقود بن عدد المدار عدد مدة حجرت من من حدة بنا المرتفاض على عليه عليه المدار عدد مدة أحد من من من عبد الما القرائل في حكيد المدار المدار

ره آمد در مو فيم ي دونيه ۱۹۳۷ وود او اړي. ر ما فد 5 فيد سند بر اسم در تيو اليم الا اړ ۱۸ اثار د بن الرب بر حد سمد اسميد، يون و

ر بهرود به المحال و معرفها و التأثيث التأثير المحال المحال التأثير المحال المحال التأثير المحال التأثير المحال التأثير المحال التأثير المحال المحال

رواز دارش فی میدر از رواز داد به آمد به هاهی در این در در این در در این در در این در در در این در در این د

وسي وها است مرسق ميدنش اد وها او ويد امر مرساسا آناد است اداد اداد او سه اداد

ر درید است. راها فاتم از در از دار کار به اسم، آنه کار در داره و ۱۹۰۲ ۱۹۰۲ معربز ایم داکاری . . د.

کے انہائی استان کی دور کی دی۔ پرانٹریونی فضاعہ دیات سے دیں ہے۔ اس اللہ است کیا ان خات کیشی رید طوران کی اللہ دائیل کا ڈائی مناشر سے دیات کی میں استان کا مناشر کا اللہ کا اللہ کی مناشر کی مناشر

المام و حدو وياده ۱۹۵۱ به طبق ن رفز نام المرابع مسيدة الد المام الميام و مسيدة الد

ره درهای در این در مور است در سدن رامد. مه در هو در استوری است در است و بداد در

ها در دوما من حدة بدله. اور ايدا راهندر راهند

A SECURITION OF THE PROPERTY O

رایست بازهن اس فاد کر فسر در بعر استاد کی که به در اراک در این دران برد در زیار در خارست ۱۹۲۱ م در دران در فسر کار بحریته در استاد سد

•

رد معموم فروس باز الارد ادم ر ورود ر در ادم از در در در دار است هما

بداری ۱۹۱۰ کامار خرو بختی و ای دو در در در ای داده از کار بادر در در این بادر در در در در داده این داده در در در کاف

وهو و من خراط الاستان برو و و دارد ما و من من من الدائر فوس الدائر الدا

رسام محاول وابيد الرمز فال علا مد وحاق را مدارسه والقرار ميا در مدير دام آن آن اردي واليا في وجها دام د وحال رحال آن آن الرام المراكز الروادي وحال رحال آن آن الما المراكز الارادي

. . .

در الدور و المداور المادر الدور الد

به عرض لها، بيره خرف (60 له) در صد فرخر را آن فرد در آن در دره درسه که ان در تينو کارتر در خرب الاستخداد که

رسه بالاصروعي والاجهام مراوا وأولاً. الاعلام واله مرحم والمالم أنه مراوع الدائم والمالية المالية من المالية من المالية المالية المالية المالية المالية المالية من المالية من المالية المالية المالية من المالية المال د سده ایران در آنویسی هراه بخش ایر میزوداند. رفاد خارده البری داوانسی هدر مساعد بردا. از این ماحده ایران برداد

اب اگل کامت فرد آخرد که بیاد در بیره برد. در به خدمان دربیان کرد کار آخرد بدالرد مای اساس بازد مرد روانسود کار امام در بازد برد اساس اسال ۱۳۵۱ داد

ها المحمد في حير في المدين الديان ال

دور معود اد د بخو آدریا دراه در سره برسرا

ر از مورد از این در این می است در سرد از این در از مورود از مورد در این مای داد می در این در در این در در این در

Acres de Mar regione de la Marcia de La partir de Marcia Acres de Mar regione de La Marcia de La partir produce de Marcia de La La partir produce

الله في حيث المستخدم الما المستخدم المستخدم المستخدم المستخدم المستخدم المستخدم المستخدم المستخدم المستخدم الم والمستخدم المستخدم المستخد

ده کار ي پرد که پر داد از بندسه حداد اد دو درد در داد ي در درد رکز برد رخ

یا خداد بین فاته در اندان به فات از نیز است. همر انتخاب می بریا حق با دا و چنه فاتی برای در انتخاب است. دا در انتخاب این انتخاب با داد با داد با دا در انتخاب با داد با در انتخاب با داد با در انتخاب با داد با در انتخاب با داد در انتخاب با در انتخاب با

الا الراحم في الرائيم ما أو المساعر بن بدرة ما راه التي باد الله باد الله بار عبد يك المرسوسان الر الد الطفل (100 م) وقد الوساع في القريبوت عيد المحافظ في المراكز ويدا من سيال من مراكز المراكز به المحافظ المحافظ المراكز المر

بالد اور هن البدائي الاردوا (اردوا الدائي روزي) الدائدة والدينة بالدائمون عدائل اليهي من الدائدة والدائم الدائم الدائم الميانات بيراد

بوار خود بول پره خود از الموادر این الدی. حدد افزید بول مداده اشتدار برد و اداده دار اس ا

مع الرحمة و المادة مسار هما. و البدار المادة المادية المادة هما.

ر الدور في حيا وها في حيد وشر شد و الدور وها وإن البدر الرحية الدور وها وإن البدر الرحية الدور في مان من الدور ال

الوا حيداني ويه ويه است (۱۳۷۰ ويونون) الا الطاق في الترويش الآل الله ويونون الاست المرافق الاستراق الرافق المرافق الم

A is the second of the seco

ره کند در فعری ای طبقیه باید اردی از خاط ره ۱۲۷۱ کار برد است میده می که این میروان می در داده داده میده کند

وال المثالي حاليات منها الأراسات والمحارات منع به أن من المحار المارات الوالما

ر متر بن مده داد الدربية الله الله متر الدم والمتراضرة الله المتدعية الدهار بدار الرشوع الرسا ومن متراضات المتراض الرسول الر

باد احتاد تو بدنده الله القطيم تو خرج بيان الأله. ۱۳۱۱ ما الصيد الله فر ياد مو ابن أي خار من الصفة الدمولة على مدن إن الرئيس الد. المعارفة الله المدن فراطيق الحالية الرئيسة الصيدة

برد عارا د. باز معمولي عالم ۱۹۰۰ سمار فرارات بر وبوط

ار به خوره که داد فریس تر حدید فریده ۱۹۷۱ به داد به در سرم که اداد رست در در داد استان در داده مادید به در در در داد در داد داده مادید به در در در در داد در داد

برای فقطی ۱۰ در پارتین می است. ۱۸ ماهم ۱۸ ماهم و فروند کاملی در امار برای مید الأملی در امار در روم و این فهاسی میداد است. ۱۸ ۱۳ الله ۱۳ ماهم در امار و به خودها هذا امار میداد بدارای در این دارد امار در آن میداد.

بدستان عرضو متواده

مونز میل دوستان به است به اثنا کنا اعبد آن آن از دارد به ۱۹۳۳ ها اعدا کار دارو تا دانشور درد در بنشر دارد در

ч

من قار شهر داستی ده ایندی به ده خانها و منی ایندر میدند تالیمی داران می خاند در حیات داشتی در شهران می آمد سید از میدا آمید مدر می می خاند در شهران در شهران بالا این در داخل می در است می در استیان در در استیان در اس

...

استه موادر باهد و هن و مهمون هيول كم خراماناد دم في الله لا ينظم كريسان ميد مناسع يعي

د این حد ۱۳۳۱ بازیکی درد برشیر درد در فور پستو در جار در این میم در این در داد: کاف کاربردادی مراسمی از داد در داد کی شعرت ایالی طرحات مراز

A THE STATE OF THE

ربه پدهواری جارت در احضوی دربید. این که اصور این افتاد خاصو در سروی درب هداد نام این احضا دربات ۱۹۸۱ کیلا بازندستان در اماد راحضان درباری و این در این افزار اماد استان به افتاد در اصور این در استان دربار افتاد دراستان اماد مناح افتاد در استان دربار افتاد در اماد در اماد،

دریاد فاریش ۱۹۱۰ در هروزستمو در موار در از رو در آنه کاد کاد براد که هم در شوار در در از بد حرب هربه آراز در دوناند

الشوط المال طابة (100 م. الماليسون) و مهدات المالة الماليسون الماليسون

na nagrande de la calenda de l

ریاد افتایطی ۱۲ ها در های پستمور در مار در مید کهر بخاند و ماهان در در مساحه در در آن ماید در مدهد

ال الترافقي الأدبر الترجعات براحدات ديدان الترافق واستان براجل برادر برجع مرادر أي مياه براحدات الديدات برادي عم عرباة التياد والمناف الرجع الاستوراد فرادر مرجع الرافقية الأساب الرجعة

نال بر جهان ۱۳۵۰ و امار باز در جرز مال در اور مرم در اور آن بناه در ۱۳۵۰ در هار دار انده او ماده ایند، فهرما در باز ماده

ال خالبات في المراجعة المراجع

ور المراقع في المحافظ المراقع المراقع

مار آن و دانید. رفع ما باز درسر به فارد از در درس ساد در اشد و حالیده ۱۹۸۱ از فرد ساع در

ر من المحرف الم

...

به المواد و ما فرود فرود و ما در ما در ما رسل الرائد در المواد المواد و در المواد و المواد المواد و المواد و

ربها ها بر بورد ۱۰۰ نو و عملی بندانو است. مناشع اما مدون ما اثار ادادا الله ۱۰۰ باشارها (۱۰۰۱ نامد الموالد بالاید دادی م

در مو مو روستان بر ارام المحل آب ۱۹۰۰ ما مع رسا المام حبال من المرافق عبد الرام الله والمد ارام مداد الم رفاد مداد المرافق المداد المام ا

ارض در اندی فاق اها، احداد است به باست است. در احداد در اندی فراد است. در در در اندی است اندا است است است. در داده در

The property of the company of the c

روه امورش الدور الدورش الدورش

ی خود در این کار به میدو در این میدود در ا

الله الله في المراجعين المساولة المساو

A series of the series of the

6

رد او بقر که ای خطاب ۱۹۰۰ در جو ای زمار اکام ادامه را او امامه شده که بد در از ایر نواستان در امام داده ای خدمه در از ایر نواستان

درانی در در خورد ۱۳۹۱ - روسیور دخرده در در در در زار در دران داد. د

ريغ ويهي در ۱۰ ما البرد او بده شامط دائر و بن وسط آثا او باز الطر الله سمد مده و بدي براه الشرعين منز بناقيميز مطالباً دو الداردة بدائد الاناقيات بالدين بن بعد آمر حملا من بديده آمر حملا مي بديده آمر حملا مي بديده آمر حملا مي بديده آمر حملا مي

ر بنده بروند اس وی مرابط این وی م استان خور در وی ۱۹۵۰ بر ۱۹۵۰ و این راه استان مرابط این مرد استان این

ر ای راه امام در حدیدی در در در امام در در این امام در در حدید راه این امام در در در در در در در در در

ه خدار در شوخیده بهر بعد به بیمان سر داده کردند کر حدد اجاز کست ده ده سب

ر المارين و من درين برياد را عالما المارين و من درين برياد را عالما

ان مرد در در اما امواه بدر ردان وردند بندید مدیرتران مردم در در در در

شیون از مار به بردی د. به برای خرج جوده در بر از بر بید دهای خرج جوده در بر از بر بید

ا من معادين ماها هو جويدين جون من آي ساند ادينا هو اللها كان هي هناز بينا الرياسان وين را دو بر به الهو صدر و موسود لمرد و مود در در بد مد است به برد مو آن برد به بر المد ، ابد فر به مد بعد الله المالي الله بر مرد به المواردة الدائر ، بالدائر بالمالية سند مرد بر فرد الله ، المالية بالاطالية المالية سند مرد بر فرد الله ، المالية ، المالية ، المالية ،

رود موجود به دخت خدات براجه به دید این ا به محلف مید اینده مودار خوام از این آن است. در به مودار به محله میدان شده اینده در ایند به به به مودار این است در محل برای ایند

A read of the control of the control

ایندا برده الباق باز همانه برادیش داشته برخیش ۱ مرافظم ۱۰/۱۰ د ۱۵ بهرای فرز برخ بر بردان بازد در اداره بناش فردی مرای باز در سدان بازد در در از اداره این شد دارد ده قسان باشد و افتاد

delication for actual

And the second of the party plant on

ناه هم الله المناه بشده و المراحق والدياء. الله الديل الحاق الموارد المشاه أن الدر ميث الله الديل

د. مشاور باده است. من این برابرد باده و شاموان بای و مراساد راب

ر می است. را دار فقی و طروعات ۱۳۰۰ در از میران را دارد از دارد از از از از دارد از از میران

A Transfer Age of the Con-

را اور در میده می مید در میده به ایران در ایران میده در این مید این به مید در در میداد میده در این مید این مید می در در میداد میده در این این میداد میداد در این میداد در در در این این میداد میداد این میداد در این میداد المن المسافح المنافح المنافح

ما را در او به مای بادا او امدیا و اید و طر و میں مار امدیا بعد باید او بار امدیا اور در می امر بدران دارم به پیدا انتخاب اد راید در می امر بازی از اید است و بارد

مد بخور من قرآن الشاري بيس 10 ديندار الدائيسية أن أولية المدائنة بالدائد بالدائد المدائد مداركة أن يكن الرياض بي عن الرياض المدائد

÷

رياني اور زيو کي يکي پر سره لميد سخا هو. ديده پر ماني ماني اه. پار دين داري سمانه ديدي دوريد (داده اند پار مير در دريان ميد ديديد د زانم پار سيد

رد استرکز جرافی صحه اینتشاه در او پرد است. از به اطاریم از به مستخدم را در برد امراق این اینه طاریم رمز اشار است! بیشا در است این برای ها در

ساد قالب الدائر خواب الإطالات و ينظ أن الاس معدد حدد من براياس مداداتي وفي هذا

خان ۱۳۰۱ در خید شدگار برای که رستان ۱۳۰ در آن کار محمد کی آن کار را صور در

یں بدیمی در سر در معیم امیرہ آداف بد امیرہ نہیں در بعد در مالاد در البد در سد در رس سید در سید در اسپ اللہ باد اللہ عدالہ در آدائی پدارہ فات بنیار فیک

A constitution of the constitution of

ه ماهوای در خانید استان داشتندی کی در وید در محمد در ایاب خانان که در خانا در میچ در ماه در میچ در میشان مراد در افزا داشتی ۱۳۵۳ را فرادید هم ا

رياد شطط بن سرأي صفيين فيرياده (۱۳۰) پريداد ر در دار داران ادامه دنيا بدر في زنداي داري سطط ير دوريده و در ويري ديداي ملحان از مريديه مدرد از معنو يوري

لها الله و المدير لوب الله الراحد في طوارية 10 وال المدير الر

> ر و امام ، برخی رواه کارد. مین کاران کرد کر این اکثر کرد مین

دور و المار في الأو الأو المراجع المار المراجع و المراجع في الأمار المراجع المارات المراجع المارات المراجع ال

And the second of the second o

د ا بحد وحد التنظيم في بين لا برحد الحق في الله البينانية في ا

التاني مد الحق في الله التوسعه في الدخل أن بعد ير حق هذه الوقا في الأقل الي المجهد المراد الرسم العدد بر المسافد الا مجهد المهادية الأفاد المرادة والا المبلة المدان فا حج مر التي القامة المسادلة بالله بالأراث ا المدان معهد يدان القامة الد

نا هیاد صبح ریداد کات . ریاد بید استر در دارانگو ایسترد ۱۹۹۵ ، بیداد بر رس مداد استرد و است بیش بر در دارد در داد داد. رسم ویان در درد و برس با درست اساس در دستند.

در این سے چین کی اطبی مجبر کتاب اللہا۔ ** ملیناد بر بہار الد آبادی اللہ اللہ اللہ

یک الماط در امار این خلیس شدید ۱۰۰۰ و دسید آن جای دم دست سال طرق و جالبسه در در در سال باید دست در در در شاری داشت

هرد و برد میرود و این مصری مید از خود در های میرومیری می کنداد در داداداش روز این سول سطیت انتخاب بناه الحادث به الد به بایدا : به بنام این بیان بر باید بر می در مین الاسانی، الا بر بر می خار صنیت، این میده مشد او آمنو باین با بر بازی میزد : این برای این میزد : این برای بر میزد : صود : اس

رائيدي مشرعي او الترييد باساند مارد الديد الد الدار الدارات الدارات الدارات الدارات الدارات

روزي خروا ميورد بدر والمحرفين الدوريون ميوروزيات رفاري والمادة ا الدورون

ور پنج بر فدر رابعد فهای بر آبر رابعد د. در بر بخا انها هن با پایند پایند د برد فاتنا در بنده پایل بر انهایی باده دید.

برید هویش ۱۹۰۰ در فید باور در فاصل در رفید در فرط و در و داد کار کار میشد. و وردورش ۱۹۰۰ هیرفاند است در فرورش دردا در و ۱۹۰۰ در فروستان ۱۹۰۱ موسط در فرورش دادا در درداد درداد موسط ۱۹۱۱ موسط در فرورش

Control Ward of the Control of the C

من طلبة براغير بازيا مختاطي منادخ خوا خوانات الفرق بهر طارحي بهد بيران مناوي () بنه مراسي براضات من الأسار من بيران مناطق () بنه مراسي من براضات و الأسار من علامات الرواحات الإنجاع فا الرواحات بياسي الكا

#alana na ma

واحق الأخوار أن معومت العالي. من وعد الرحوال الاجراء المارين

ه مد و سوماند. در از خرو مودده شده به در مید

ر فا من او البد على بيرينا مرسيد البريد الا الرف عليه تراكي بينا كي رساطات التواعات و فتر او خاص الكند بترسل ما السند الد

p Napa Napa na na na Managa Na

ريد المطاق في سد اي دويون دارارد اي در اي ريد د مديد راند دار در سميه در سمد در در اردي در اند در اين سيد اخيان ياد شد. بدر دري در اندورد اي در اندورد اي دريد الدري اي از دريد

رقا الرفو في المساولة المرافق بين المسا و المرافق المرافق الرفو المرافق المرا

ار در او رسیه و پیورختان دو پیشند در و در در خوارد بازد و در می داد داد آن را در داد را در در داد داد در خوارد داد داد او رسید داد در در داد در در در داد داد او در

ار و سال مدار بر و مدار در استان الدار ال

رباه چه دوموه مل در مر فشقینهٔ بور پرید در ایندا بدار در ۱۰۰ در در در ۱۰۰ راست ۱۰۰ رسیم

الم المطور المال الطور وقع مدامع والمراكز التي مراكز المال القال مراكزة من أو اللك مراكز المال المراكز المال المال المراكز المراكز المراكز المراكز المراكز المراكز المراكز المراكز المال المال

ميل من ماه العبيدة الدول المناطقة في الدول ا والدول الدول ا وي الدول الدول

بالله المتحافق الدخاء في هذا المتحدة بطرة بالوحات بالمدراة يعني عد يتحد حدود المدر الراهم الميني الدائلة الى حدر في عدد المدرة (191

.

and returnment

حار احداد فتحدار معديدون عنديدون اد استدرار نعيد، چه ريد ده، به رسريا مي ومينا د نيد پيما افرد درد

ره الرق الذي معين بيان بيد ويد الراح الرواد الر و المراح الرواد الله الله الرواد الرو

المراق المحكم المحكم المراق ا

در و داده داده و در دو داده ای است. پید مندی و ماهندی از در در داده است. در دندار در بیان داد از در داده است. در در داد و داد از داده است می داد.

در رئیز از تیز رخود یاما دم میا سر دو قدران بخود قدید شد رو از بندامها فق مایر و خاد بای

در وی و به دامه دان دی و خان بای در وی بای دارای ویس از دی ۱۹۹ دارد در دارد در وی از استان میش در خان بای در دارد میزان بای استان میش در خان بای

اراي مغروقي يو. د مدان داد ۱ تا ۱ از منا از ايب تا الدنوم در داد در العيالة مد راسب حرار ما

Angung Jilyangan, yangan ya Minda Jilyan di Yangan dan sangan ya M Mangung di Kangan dan sangan dan sangan dan

..........

.

نها الاشتان في من صوب (۱۳۰۰) بريد يدن كار من أولوسته من قريق فرست من بدر بدرست من من الارجاء أمرام اللا مكاريز فراند ب

And the second of the second o

نهاد دریا شاهدهایدی آب. سرای دو قبدی هانواه ۱۹ نواهای

A TAME IN COMPANY OF STREET

الإستيناة إذا في حادية في ماله يعار عند في العيس الدراء (100 عار الدرائي

در الموادر و الموادر الموادر و الم

ربا میدانی سید آمیزیده اید را برای پیش انقلب ۱۹ افتا باید برا برای هید به سد و سیر برخه برند این برایل آمیز برایل آمیز برا برای خدم این این این این این این این این برای برای ها در این این این این این این این این این باید برای می این این این این در این این این این این باید بیش این این دید در این این

راها در دامر رم سید اد دن به آده ایمرون از اجمعه به مصدر ... در آده ایمرون در زادید به مصدر ...

and the second of the second or

ے کو علیہ رود کر کے فید الراب کا

بعد الله الله بقد أن الرس النس، الله المساء بعال الرائب الله الرساء ميسال به مري الرساء الأياب الله الله الادارة الله الرخو حساء في الاستان فراخو

A STATE OF THE PARTY.

بادنه ما در ادبو. بادادهم باز هیم موس

بالقائمان بالرخيد فالعان حراد اس سنة أنهاد 15 سرة داست المداد

د دامیل ادرمواندی بود در سازی ا

ال التاليخ (100 الرسلو (100 والدي (100 والراح) و أور عزاد (100 والدين (100 والراح)) في (100 والدين في جميع السنة (100 كالوج)

د حاد بر از سره در از هاد ادر برد ه هد و شاهد دادو ادرها سرو باده بر در بدرد در داده در افغا سرو داده در اداده این از این در در داده در در داده

نده ارسان الدراعي التي التي المعينة أن الدراعية المراجعة المراجعة

مسج المدروع أمراكم

مور شرير ساء مي فاعداد النامة ها داد معادد الارام الماد ماد

ه برما رمید کشت. در سن هر خد از مال خد است. بن همد مر این میدر بخد ویز مدر رای اید دای در برمین مشدرده افز مای

And the second of the second o

ر الدور الرحاف طرح المرافق المرافق في الرحافية والإنجاز (1 - استون المرافق المرافق الرحافية المرافق المرافقة المرافق المرا

ر مای درد ایما در هما در میان بدر برامر در از برا ادار مان امر امام جهادات ب باد ادام مان هم اداره در در در در در

د خاند کارل صف و در بر استریب جوید بود. امو در آن سیال اس برایا صف خدید کمیل نی جانبینی کاری رابط

میر و خشیده شمید فرد آمر ربید میدن این به شایش و

اداره دارار ۱۲ دارار واستان میسازی و و دارسی. ۱۸ داده دارار در از و دارسی شده داده .

many public to an are an

در وی امورده اطلا بید فرهد نیز دارد. در باید در خور خید و خورد خدمت در خدمت در باید در خور خید و خورد در خدمت در خدمت و در در خورد خورد در خواند در خدمت در خدمت بیشت در فرود هم این در خواند در خواند در خدمت

lagage et igazen igazen igazen igazen igazen

الدورمات موجد ها النبياة طاعبر الديكر ووالدورك

روستم ۱۳۰۱ راز دی ۱۳۵ راست ۱۳۵۹ راز برد ۱۳۰ دین مردا ۱۳۰۱ راستان ۱۳۱۸ راستان ۱۳۵۰ ۱۳۰ ۱۳۰ راز کهروستان طریق ۱۳۳۰ رازد ۱۳۵۰ ۱۳۰ ۱۳۰ ۱۳۰ کام در فرق کام در مداکستان در داکستان

بده کر بود ۱۹۵۱ در خود این کی بهر در ۱۹۵۱ ۱۰ مورد خو در دادر کرد بندر دود به در افوارد ۱۳۵۰ در در میشانی در داد، در در باده میدر افوارد کرد باد افاده در در بالدائن مواصل في التوليات المائد الترام في الما المياذ في الله والمنافق من التقر المياد في ا الدائن به أن الله الله في الدائم الله المياد المنافقة الميازي المائل الدائم في الرساني الدائم

. . .

-

production of the last contract of the last contrac

A Print of the Control of the Contro

40

1975

ده کا کمید در فره کافیده را و وارای سر و آن از چی که یک خراط که در ما کارد دید در این این ما در خراط که در این در این کافید دید در این این ما در این که در این در این این کافیده این در این در این در این در در در این در این در این در این در این در در

نده است. ریک فاتلان این میزان مشهر فیره ۱۹۰۱ در برده و فاتل بادهای در کار ۱۵۰۱ در فردس بردهای با بردهای میزان بردهای این است این است.

رسد کاری علد کا برادد کار در خارده ۱۰ - اگر کمید دارده رای بیان رساستر طر ر کاری د

. .

احترافت فراور باش الرام ماه الإنهاضات الدائد (۱۹۱۷) ال تاریخ و زنده به هنداشو البادل مای از مرد الارامون براسم ترامع بادا

المراقع المرا

ه بين و سيز ايرياني، اند اد ادد بر حق البدار مدد بر به اللحاد ني در دورما دورمان است. د دورما دورمان ا

الد التنظيم في المبيدة . والتنظيم في المبيدة (10 × 10 من الدار الدار والمباركة (10 من الدار الدار

یان می شور این داشکو ترسود ۱۹۸۱ از برایان در قامله در دار افاده این این املیه در مشر وای می درده افران این باز داده این در مردر درد از درایان در در مردر درد از درایان

الله المحافظ والمراوية في الأخلاط الله المحافظ المحاف

روز من مرد فورد واستان باید فقا شداده. ویرماد منده دید فقام (۱۹۹۸) در دوله (۱۹

و منطق در سم ای حقیق الحیاء (۱۹۸۸) و در ری افد بدر الحراق سم استر در بدر الدر الاراق این از بر المعروم را الاراق در اردامی این الردون در

راید است. روی هماری بو مالیت شد و مسیح فیرود (۱۰ م روی مسیر بر روید (میدود می میان از الایان برای در موادر کار نورد (۱۰ میدود کا کار در او دارد است. در موادر مدد در روید در الایان و است.

ه الفراق مند فريد مرافق في الأخواء الما الما المعرف في مناول المادة المادة المادة والمادة المادة ال

را می کا در سید کا ایک سا در حام کا در سا مدا می مید کا در سید آن کی کا کا ایک از کا می می میده کاره کاملا سا کار در الباد کی کا در این میده کاره کاملا سا کار در الباد کی کا

THE STREET, ST. LEWIS CO., LANSING, MICH.

در المصدق في مناح المصدق من القديم مرسور المصافي في المرافق المصرف المصدق المستدالي بيان في المستداخي في المرافق المستدالي المستدالي المستدالية المستدالية المستدالية المستدالية المستدالية المستدالية

معروف قدري فارد فراهيد برحور داخرون با در اند در استاد في کارد مر قدر بني د افراد فر درمي فالداري سناد د. در دو دو در دراي داري داد در چه در ويد

م در ۱۹۵۱ و اگر کاد اید کا را بردر او در دار ۱۹۵۱ در ویدری در

اعرفوالد للتانو ينافر سنا

ابداظ پر مراض دراس ما پسید که دیچ کیا در داخر افتحاد کو سرو دیدر داشتر داشت آخری پند و داخر بسید شدن در در کا در در در در در در داشتی در داخر برای شدن

رية ميد أمي الرياضة في وي دروي وروي وي المرافقة و المر

ر الرائد المحدد المدينة المدينة المحدد المدينة المحدد المدينة المحدد المدينة المحدد المدينة المحدد المدينة الم

خار میداند ترسیق کا این اندها. اگذارشتان و میزاد طورانسینه این از ترسیق این. را می امیماری مراس این

The state of the s

ما يادها، فيدين بن ويير بادر خرابان 6 داك الايين 6 قا

227425

د الشهر المدارات الواقع الرافع الواقع المدافع المدارات الواقع المدارات الواقع المدارات المدارات المدارات المدارات المدارات المدارات

الله المرواعية والمراوعية في المداعة المراوعية المراوعي

Annual Control of the Control of the

The second secon

میں مرحل کے بعد انجام کی ہے۔ اس بالا البلغ کی محمد الدی 117 مرحل کی دائد جے د مار کی محمد البلغ الدی محمد البلغ میں مارک و مار مرحل کی الارسید آدامی محم جات مرحل

روان او او دوم معاصر باسد والای و در دوم ده معام ۱۹۱۳ میلی برخی در او در معام داد در در خی بر برای دارد در

A CONTRACTOR OF THE PROPERTY O

راحل منا البطاع بدار این المام مید کار ۱۱ اتا امام مید الدارات المام مید الدارات المام مید الدارات المام مید مید الدارات المام مید مید الدارات المام مید مید الدارات الدارات المام مید مید الدارات ال

د کارسوی می رسمان به مقرار ما کار رسمو ای کلیم آب بیش را که کارسی سے است سے دعور دائر ایک ماز دید جارت بات کار در است سے در کار کار دائر دیا گرانی باز کارسی در جارت کارسی ایک در کارسی ایک بر کارسی در جار در کارسی ایک

ند غيري في طبيعي ۱۳۶۳ ديده آو خايدران خد پري ويوروري رخان خايد آو خارد کو اسم است کند. پايدرا ديدروري رخان خود آي از دي ايدراد استان ۱۳۰۰ تا

ر من المراجع والمراجع المراجع ا المراجع المراجع

ب رهایان از دهایاب واقع شای به ریمه همه ریمه بری ریمه از متر از ایر از د ایر که مید میان میدار میریدانش بر واکم و ۱۳۳۸ ۲۰

ر خارجه ایدانی صبح الحرب الدامه بازی بن امد اصحد فیزاده التحدار خورسیدر آن مرد الا رم امراح صرد و امادی امراض الله اعلامها رم مراح صرد و امادی امراض الله اعلامهای رمواندهای فوانی افرانج امراض مراض

Section of the sectio

در پردهاند در انوان کر اسم کرده دره در بدر کار بر انوان ک

عا مدار دوره دار بو دور دور

ميدون بن بن والد. د خال بن بن بن الله و لد بن جاء وحاله دن كار في الموجورة وخاليز الحاد الداحد مقرارير را تعدد قور 8 الحد مينة وقور أدوره بر حاد

The state of the s

در پیش صورت کا دی پارتی در اصد در کاب ر میت او می باز بینه دار خارداده او معادد با کلیم در این با کا و خارداده کسیدای با کلیم در این با کام دارد در یافت کسیدای

A read for the last

روز اميان برخوا الارجاد الرأي الد رود اين مند (يدان الارباد اليوران حيث والراب الخراد الرابية - الذي يدان الرابات الارباد الارباد الا بالبين في الأسياء ما يان في 100 مري طاعت الله الله مارد ط

هو در افرونی (۱۹۰۰ و در در ۱۹۰۰ و باید در در ۱۹۰۰ و باید در ۱۹۰۰ و در در ۱۹۰۰ و باید در ۱۹۰۰ و باید در ۱۹۰۰ و باید در ۱۹۰۱ و ۱۹۰۱ و باید در اید افزار در اید از اید در اید

ا استان - ایجا که حق اجرای اردی به پسر خور برسیده ند - رفته اردی چه مربر اینان چه بیش و زاردی - ایجا به اینان پیشان یک بیش بیشه ایس - ایجا به در استان به بازندی بیشت به پیشم

And the second second

رسمز اینکا باده از ورد از ارتسین هیین از شین دارا در ۱۵۶ اصح ، اد از نشین رابو اد بردستم

Augus s

. .



رود رومیت در حدد آن ایرد . ران ۵ (۰۰۰) غیر اینکا را از درید در ۱۰۰ مارد و ۱۰ دارد و ۱۰ دارد از ۱۰ دارد دارد

ر در اردان ۱۳۵۱ و روز ماه ۱۳۵۰ و روز ماه ۱۳۸۰ رادان از ۱۳۵۰ از است ۱۳۵۱ و ۱۳۵۰ و ۱۳۵ و ۱۳۵۰ و ۱۳۵ و ۱۳۵۰ و ۱۳۵ و ۱۳۵۰ و ۱۳۵ و ۱۳۵۰ و ۱

د هور مراق ليب الدهو الاراق الدراقة على الدولة المالية الدولة الدولة

الدائية و از الدائمة في ليد المرابي و ما المنافلية الدائمة

نيا المام المامين في المامين ا معيان

الله في الواقع المواقع المسالي بعر سيارية المواقع الواليد والمواهد والمان موالد مدالو مدارستا بالاردالوسلا

The second secon

بين او بيده ۱۳۰۰ ها مع سد و مورو فارد ا مود و بير من امير و فود او بيدا المدالة الذي او مراي مقال مواردي او حد مدامه الداد و او در واردي الراء في مراجعه الداد بالدادي و واردي هما الدادي الدين العالمية بالدادي

ميد الد ريان الرجوع فرسول الد ريان الركان الدي الويساخ الحال المير يوريد ولا المار الذي الكرامة الأثار الدائر الأثاث

و مرد در مع محمد ورسم دورمد بدر مدر الدور الدور الدور الدور

روی در قی حص می حصوص ۱۰۰۰ ۱۰۰ همیان هی در روی خطره است در حصوص الا با ۱۰۰۰ در ۱۰۰ در ۱۰ در ۱

AND MAKE THE PARTY OF THE PARTY

وال والمعاد على مراد و 100

خیراً حید به کا براهید بر به لیمو بیدانی به ۱۳۱۷ که است مدان به استو که افرد بر به برای از این میداد سو با کا براهید بر این پیدیدان از اقدام در این امر که کا احداد احداد است. پیری فرود برادان در سده کامر کاف

ری امید ۱۳۰۱ تا ۱۳ در طرق بیشر در مصد برههای رای این

And the processor

A page and a de plate of a page of the page.

بالد توريدي في طوح طول ۱۹۸۱ ما دا تو تو تواند رود مو بالد في في الداخل الله الالتار من الداخل راد مراك قبل في الداخل الله الالتار من الداخل راد بالالتار الله على الداخل الله الداخل الالتار من الداخل التي الا

بایدا می و موصور به برخه ۱۳۶۰م دو برخه در او در در در در ۱۳۰۰ خراد موضور او در در در ۱۳۰۰ در ادمو

روزه البخور في طول الأناف بن يو فهر يور بن مدير إمال به الراق البدي التي يست بن ال مديد الله الراق في ولد ال مستويات الد ولي مراق مراق المستويات الاستوال ال

ر این آن آن آن برستان داشت همید از ما روی کا این آن پرستان براستان در آنان و از روی کا این آن این روی کا گذاشتان در این روی کا این آن این این کا روی کا این ک

ر تقول فر مقولات خاله بر الاستهار الاستهار الاستهار الاستهار في الاستهار في الاستهار في الاستهار المستهار الاستهار المستهار الاستهار المستهار الاستهار المستهار الاستهار المستهار الاستهار الاستهار المستهار المستهار الاستهار المستهار المستهار الاستهار المستهار المستهار الاستهار المستهار الم

روسون وراز ان دراز هوا ۱۳۰۰ شدادید در در در ان در از هوا ۱۳۰۰ شدادید در

بری بیده او بدید از دیده های می ادبیستان این بدید باید بدید هم او بریده نظری و دادر داشت. مدرا هم دادر داد داد ساز این اد

٠.

ان همها هیشان بریدانی هید هند: از ایند در بخد ۱ سد آن هند با ۱ شرد با ۱ کاد ۱ سمتا از ایندا نخو اک بر است. آن حرب ۱ داده

ریاد انستان او جلوی (۱۳۵۰ ما انسان او جلوی دان کو فرد دانشان جانشیده است

الله الرح القبلة بالمحدد أن عام والمام. بدأت المراح الرحان الاجار بالماح الاجار المراح المرا

عد حربته. - بناه الله ، بيند بر آن به در آن بـم. بداه از ماد نامار بامار.

بودگا این مالا باشتان باشان . بده اما از در در وسه در سود سیع اقاد سرد . قرم ادار خاد ناد اد پور

A SALE OF THE SECOND STREET

ا بر وید او این بیرس براسه اسا هم و در به ده م آیه در محدد رمی ۱۵ میداد ۱۸۰۰ در ۱۸۰۰ ادمی باد در آی متواد ۱۸۰۰ سند این باداد ادم

ر کی کا کریا ہیں کی ایک انجام کا انجازی کی انجام کا انجازی کی انجام کی انجام کی انجام کی انجام کی انجام کی انجا انجام کا انجام کا انجام کی ان

Commonwhat

الله حيد مشور الأن الشاهر في الأناب الديا الله عرب المساول و يعد في أن يأل عن الأناب الديا الذي الانساس في المساول المساول المساولة المسا

A CONTRACTOR COSTS OF THE COSTS

ومستحافظ مطاع برخوره ۱۹۱۸ ای الله در آمر وای در در تر خوب راز در حوب راهداد

ر است. (۱) احت الراده ان بادات ۱۰۰ (۱ سندهوری و اگر ۱۵ مه اومان اینجو او استان از سفو ای در ۱۵ مراس و ۱۰۰ او این این ۱۱ این ۱۱ او در د داند. رواه کار الوحور کی التاریخی برای کر روید (در . داخل میداد را مع برای ۱۳۵۰ میرانی کار این از این بداخل در دار ادار ناران ناز میراند داد

A CONTRACTOR OF THE PROPERTY O

ال ۱۳۵۸ فران با با در در در در ۱۳۵۸ فران در ۱۳۵۰ فران در این در

د البرائر به از بار حدا قصر را حص عالا بسر از این در دعا در حدد در الدر در آن در دعا در این این در این ۱۹ می در این این این در این در در این در دادم در الاز در سال این این در در این از مهر از این در اشد، در این در این این در در در در دادم دادم در در این در اشد، در در

راه و مورود موران مهدور و المراحة بر ماردا و مرد برادر الماحة موردها و مرده مورد أي ماي المراجع وال وي الراجع والمادة المراجع والمواجع المراجع

به فراه بالمحمل من المحلولة والمدار المدار المدار

ل والي لا يوصف هي اللهام مراود الد وها لها ٢٠ وا ٢٠٠٦ ووا وما وعا والتقد بدروه • ها والي سع الان مراودا م وعد والي الوه

And State of the

د و در در سود در می است. در در در این به خاری از که ۱۳۵۱ اصل در دست در بر در اند د در در در داشت را فر در در در در در در در در

دو محمولات والمراكز الماكن المراكز الماكن المراكز الم

هد رو مقد تو شده الراسطة عد فريش داده روانا بقد قرائم الرواحة المدا و الراسان في لي نواح ماه العم مداويات و الراسان مداريات في المداويات المداويات يدر و فران الراسطة فرانا الراسان الراسان و الدارات الدارات المداويات اللها و و فران فرانا عدد المداويات الراسان الدارات المداويات

ب خطاع می صفو قبلتید. کان اشا از باید با این بی در ما میں سید پر این در حراق محادث فی مدد در در فد کار پر این کار احداد فی محادث فی محادث بر حال داده خو کار پر این

.

د اختمان بحضور باقل قریاد خاط این به استان این دارند استان بر برای در آن بستان در قام در ده به برای در این بیشان در ساز در در در در در دارد به برای در این بیشان در خاط برای در این بازدر در حدد آن حود در این این در کار در در این در از در در در

روی منطق و انتخار باشدید برداد از خوانی بدی واقع در برداور های در آن رسان به ای راد این قرار باشد ماهای در این بردار این بردار در این قرار باشد با این در این این این این این بردار بستان دارد با این بر جاری این این این این این بردار این بیشتر دارد در این می جاری در این این این این بردار

A STATE OF THE PARTY OF THE PAR

در این بنده در مقدا در این در داده احداد است. در این بایده امریدا باید احداد این است محد در این میراد در این احداد در این بستان باید این است.

. . .

. . . .

رد ادر ۱۰ دا واداخر ۱۰ د وادیش ۱۰ د واهش ۱۰ د اهر رخیل مداری می سرح آن بادی می طاه در در رخیل مداری می سازمی های می مدید طرق رمانا می سود از میزان های در است. همه ادام را می مدید رسین زیراد فاش ایداد

د چاران اورسود شد رید همد رای پیش برا بدر سعد ود آزاد داد از در این در سود در این

ب ولا داید و گروید افر پرمیس همدار دید حمر در عبر افر اشام حد عباد انسب برد وابراهد د شمط بر طهره (۱۹۷ در پده اوبراهد عن

ر فرور میں احاد فائد الباد ایک طریعترسیا آیا ہے: البار بادر محد الباد الباد فائد الباد ال

مهم معود و بردار ارسمس بایس از انساس کار در محاصل از استسر برمو از نقر برداد نیاز اساس درساز برداد بدر این برداد در در به برداشته اسان

And the second s



والإرا ومعالمي الد

المراك ۱ قر آن ۱ مورسه سيد آن دونوسه مد داد الداد داداد الداد داد دورسه

بان الله الواسلة بالوامية بالواسوديين. والمنا

ان را دودها به مدانید و قدار وزد اند با دریان دی به ایدی مداند ساله که دا انداز در داند

And the second s

بعنهای میدرانوست مدهان آنها مدیر شدی ۱۳۱۶ در فود بالد در ای افاد در این در ای درید از درید ۱۳۵۰ به اسام معترفی اساس دار در مصدر همیاه در در بعدا اسام معترفی اساس دارد در مصدر همیاه در در درد میشود ای وق حرین میں بہت میں ۱۹۳۱ وقع میں ۱۹۳۰ میں فر یا در پرستان کار سند کی قریب کا سنج عام آخرات کا پراٹ کا کہ باسم محام کر بنی

رمو مند الوطاوي من معيدة أني هورة. ورود مراقع (۱۳۲۰ من طرف ان حرج الله أنسان أنو ال رود جار بن حداثه جوان الله رسول الله أنسان أنو ال

ر الما المورد المرسوب و المحال 2000 من المراجع المراج

when you have been a special and the special a

الله الميان في المستورة (1972 - 1973) بيدة أن الما الماني المستورة (1973 - 1974) بيدة أن الميان المستورة (1974 الميان الميان في موال بيدة أن الميان المستورة (1974 - 1974) ولا منا المستورة (1974 - 1974 - 1974) الميان المان المستورة (1974 - 1974) الميان المان المستورة (1974 - 1974)

مبد وجدو الدن الراد وماة المؤمر القدد وبدن

مشوع در خواه دی حال در خواه بدر سبع هم داده ای مای اگر در خواه بدر مسبع .

لي مرود كرمود في ويا معينوس ديل، ولا الحارات المرود المعارض حيد لمرود المعارض المرود كرود المرود

رود در المار المار المار المار والمار المار والمار المار ال

کار جائے کے اور کریا اور کار در جاری کے بعد جانے پوسے کسی اور کار در جاری میں کار کریا کارسی پار کریا کار کار کار کار کارسی کی کریا کارسی پار کریا

٠.

الله القامل في حميق الروان (۱۳۳۱ - پيد ان پي ۱ - که جن بردامل في داکار ديد الاورد د پرداللر از داد در ايد (۱۳۳۱ - در اور ده افراد د در در ده اور ده دو دو ده دو دو ده دو

2.200

٠.

د دم ترفا بر باند رخو شد د اند بك ده و و متم از نشاط جار رئید جار د اصل بند دید.

د البطوريند المياد. 2 البطور (20 المرافق الدائل والمدائل الميادين 2 المرافق من المياد في معدان مدار على في المرافق في المرافق الميادين ال

ه که دو اما شد. است فید سب د هری و هیره دیده ۲۰۰۰ در شدار س

A STATE OF THE PROPERTY OF THE

د این به که مهداد باسا آمدگی بیراند. ماکنند بر بادار مش معهای با امام ادافهای ش

A STATE OF THE PARTY OF THE PAR

and plants of the part of the

دو الاستوان من والرحل في الرحل بالمساول المنافقة المنافق

The state of the s

الله أيا حق ... فتر طرق رود فقيض العب معياً طاره خاطراتي فليا المجرع فقد م المحيط عبد أم الما أمينا من الدوار ويل المحيط عبد أم الما أمينا من الدوار المجرد المحيد المحتدد المجرد فا أمارتنا الدوار من عدار

در المواجعة المنظم الرواحية المنظم المواجعة المنظم المنظم المنظم المنظم المنظم المنظم المنظم المنظم المنظم الم المنظم ال

لب الرحار الزيم البره البراء الله الرائدي الله الد الاختلامي خاذ النظرة بريل الداخل الخليم ي

Account to the property of the

اب الفسل وحكم الجنب .

رسز سنج النسو مراكز آن المنظلة الإدارة أمورياته. والمنت المراكز والإدارات المدارات. ولا المدارات المناسو المالة وألي مراكب والواكور الماكز.

All the same of the party of th

مند الرحد و بدر الرسال بدر عاد العراض مال عبد و عادال المد اللدنة حام الخراص و برا على حبق عبدا عديمة العام بمدر الاس معاد معد و بدرة 80

ره جيدي ماند مرحد هر در اي خام باوير در ودر وهند در دو خابي در اما دام باه جو خام اند ام مدمند در سر ي خاره ۱۹۹۷ کارد مراسداد

عد ضعه در سر و طوه ۱۳۹۱ تاکید را است. صد بد در خاد ادیای و هداده سایه کاد بد در واد ادیان هوی سخت دای باد ادیان کادست. به حاد هدستر میه در طو در ادیان کاده با است. به حاد

بيدناند الدين الرئاد الدين او لون الذا الدين ما احد مرسودات الله أدام الدين الرئام الرئا على مدينا الرئام الدينان المساورة المرازات الرئام الرئام مدام دادارات المدارات الرئام الرئام الرئام الرئام المرازات الرئام الدينان الرئام المرازات الرئام المرازات

الدائر الرابع على الشارطية الله الرحاف المساورة على المياه والي الرحاف الدائر الرحاف الرحاف المائر على الارافة الرحاف الرحاف الميام المائر الرحاف الميام المائر الرحافة الرحاف الرحاف الرحاف الميام المائر الرحافة الرحاف الميام المائر الرحافة الرحاف الميام المائر الرحافة الرحافة الرحافة الميام المائم الرحافة الميام المائم الرحافة الميام المائم الميام المائم الميام المائم الميام المائم الميام ا

ي من ده از منز در سه مرائي اين ما و مي ∰اير) امرائياه داد در داد ۲۰۰۱ از در مناسب در است در مند

مية به البار حد المطريق الطارية أند في يك في الإرامة والمنطقة في القويدة (100 ما الدامية في الدام

ر منطوع القرب المامية الميار الد. الإدريب في الرب المامية المام وبين المنا

ان اور بردن او امران البدورة الراحة الرسور المات الرام الراحة المات الله المان الدائر الموالي و الرام الر

ر من من المراجع الأوليد المراجع المرا

ريط مودون و هو ريط سه در مودود و المداده المحادثة المدادة المدادة و مودود و المدادة المدادة و المدادة و المدادة و المدادة و المدادة و المدادة و المدادة المدادة و المدادة و

متامل ف المتدمية الأنوارسير سيم سيداد

0.00

را من التاريخ في التاريخ من المناطقة في المناطقة المناطق

-,

A SECTION OF THE PROPERTY AND A SECT

ا از بادهای در آن از بر از دی ادمیده . . امد در در ادمید ۱۹۰۷ دیل ماداکه ای مواد در داد اداکه در اماری این ادمید از در در در در این در از این ای

در المعرب في المحتى المحتى الرياسة الرياسة المهرب المحتى المهرب المحتى المعرب المحتى المعرب المحتى المعرب الم وي الاراكات المعالم الأراكات المعرب المعرب المعارب المعرب المعرب المعرب المعرب المعرب المعرب المعرب المعرب الم ويعرب المعرب ويعرب المعرب المعرب

... خسین و مدادامها کارتو بداد م الودی. بنا کار افتای تو ۱۳۰۸ با را ۱۲ درا میداردی ماد خراد کامیز در میزاد عیا با یکی م الودی در ۱۳۰۸ اماد داد درانو تصدید.

بالا عمل حيد فراندون الرواد بيو مرابعت الله 4 يام طرحته الروادين مدو علي عصد الله والدعون في الروادين الرواد و 4 يهزه إلى المعروز في الروادين الرواد و 4 يهزه إلى المعروز في الالادرون الر

رون در برد. که اگر البه کر ۱۳۰۰ کارگاه ۱۳۰۱ کارکار ۱۳۰۱ کارکار در ۱۳۰۱ کارکار ۱۳۰۱ کارکار ۱۳۰۱ ۱۳۰۱ کارکار در ۱۳۰۱ کارکار در ۱۳۰۱ کارکار ۱۳۰۱ کارکار ۱۳۰۱

ده شوه در مه هر مرضو مرضوط و مرمر امور مدر ده هد مرسود فی در بردن فی در در امریک این اصفاف به میدر در در در بردن فرا امریک این این امریک در این میزاردند امار داده این در داد در مرز میزاردند امار داده این در داد در مرز میزاردند

ساع در مثر کد است که افزائل در ۱۹۰۰ در است رست بازر بر ودشتان در در دست لاید در در این در مای بیشت در دست لاید در در در در مای بیشت در دادر افزاند در دادر افزاند

ربات المراجع المستخدم المنظم المراجع ا المراجع المرا

. . .

من مشاور الرائد ما قصما شدون بدخري و والرائد (((الرائد الرائد

Control of the Contro

ه م ویراند ب و طبوریون و ۱۹۰۰ در در امدا نه مدم انواک س

ان دراه هیدر در این آخیه مثل مهاحه کامید. در در افغاره بامی خاط رسی که گذاری دراند. در افغاره

الداريس تو المحاودة (۱۳۰۰ براسة قمين الو ۱۰ كار الأورز ديد رهميد برادية كا أمري مشرب المهاد الد

المنافقة القرائر في المستقدم من موافقة المستقد المستق

د در در درود بنی د سه در صالحان و سالتوناه مو کال مدن به سخود

. .

در کارش شده که بیا در کاریانه ۱۹۱۱ مهر طرعرد البین است بریانامه ۱۹۱۱ امر طرق در کار در در

.

د الدور بي مراد بيده من مدي من سبط المطبي من أب راي ميده برطاقه بيش من مست بن يستقد من سبط مريز دائم در سيده من أبر ديده الد. رايد الموادل من سيده من أبر دارد الله الموادل الد

در احتمال می الدول ا من الدول الدو

در المرافق من المحمد و المحافظ المرافق المراف

ر مدر الديني تراخه برگ در در دادر در اين در سوار در در بان ها هر براز مدد د اين د د

The state of the s

CO-COLUMN 1977 NO.

. . .

ياب بالمدائج وهوب لمثل الجمط

د رون او رود رود ده در او رود ها ها و در طبعه رود دو او استام ادره شده

ري الرواقي 100 و دول الرواقي و الرواقي و الرواقي الرو

رامستان المالي و والمالي التي الميكر المالي الميكر الميكر الميكر الميكر الميكر الميكر الميكر الميكر الميكر المي الماكر الميكر ا

نظام را راهند رافق وفر آن میران خیر سند در دارمتر و فراحه در آن دراق آن سد فعاد درساه در سال، آن فیزاری فراحه در از اصطباری ساختین اسا

ر الرحمة المدين مروحة الصدر راحة على الاستادة الداخلة بالمدين الداخل من مدين المداخلة المدين المدين مراحة والمدين المداخلة المدين المدين مراحة المدين المراحة المدين المدينة المدين والمدين المداخلة المدينة المدينة المدينة المدينة والمدين المدينة والمدينة المدينة ر المراجع و المحافظ المراجع ا

All you will have a place on which and has some of the place of the p

سال ۱۳۱۵ و ولا ها ۱۳ و دراو د او د او ها ۱۳ و دراه داو او سام د دراو

س. پرماندهای دهرهای ۱۹۰۰ در در مهدس ساران ده آن دو پای ۱۰ شار همد برای در ساد که در آن داد کاردن

2000 March 1900 March

The state of the same of the s

د المحادث في الوقع المداد المحادث المداد المحادث المح

ده آنها کامان در کند برگزیند در بنندن بهدادی: محم هاجهای که در آنهواریند کد کنمازید حاجه کامید راه بدر انتخار این سند بدر اما برگز

ئيوانز ها ميطن ۾ صال دينو (مدن پير مدن

ر المراقع المراقع المستحدد والمستحدد والمستحدد والمستحدد المستحدد المستحد المستحدد المستحدد المستحدد المستحدد المستحدد المستحدد المستحدد

ان الماد الله مديد أنه المورس الرساد المورس بالماد الماد الراض والمورم المساد الماد الماد الماد الماد ماي معيد إساد إلى إراض

-

و دار او دو او د

ین به ۱۹۱۵ و مشاید شد و به مید داد ویز شرا در در افتاد به به به رسی به در مهام و مساورت در میز شور زاری فتنا و مساورت

ما خادره دوليغي داده والدين خادمه فهر م داده دو المواجع ديده الله الدين الله الله الله دو المسادية واست، دو الما تعرف الموادة الله الدو المسادية واست، دو المال مواد الموادة الله

الله و هو الدين الارتباط – الأدماء المدين ال الدين الدينة الدائر بين حدد اللها المدينة التي على الله الله الدينة الدينة المدينة المدينة الدينة الدينة المدينة الدينة الدينة المدينة الدينة الدينة الدينة ا

و مورخی می خطو طوره در ۱۳۰۰ بیاند سیسا می هد بیده افغان ایدید شدم می کنده می خسی می سرد بر ب می فیرنگاه سیسا مده دی فی مربط باداد و بیده می

للذي في حضر في حقق المحمد بالمداني من من من معارض هنام المسراة في ∰ في من يومانها مده يرد أدم في هدام المسراة في ∰ فاد امر ما فيها يصديه المدد التي الهذا المن الله عنيا

the call of the problem of the problem of the call of

را المرافق المواجعة والمواجعة المواجعة ا ما المراقع في الموادي المسروع مراقع والمراقع المراقع المراقع المراقع والمراقع المراقع المراقع

به الما سنالي مرد

(3) حدد در رز شطاب مو ندینه تو جدد دمو به الله داریوار دو النو با حر دوردالت شرکار درو در السب تو الاصد با الله میداد در الرشور ۱۳۰۵ بردو (۱۳۰۰ دوراد)

ستا حید امر در خد برد اور خد (۱۰ تا افتا حسر در طر شهیس اداره در خد الداماری در شام در جد اداره در خد حر امی ا در دریا در شده اما دست بیش – البها مدر خدر است.

به میده کارد. به کرد در در است ۱۳۵۷ به سید وید. کاب طوارد به نور داد در اکار ادامه کار کاست باید

رهایش برخوانده به میداد. باز در توانید از در است است است. باز در توانید

الله بناء اللحقيدية حرج مثل الألب (14 كال حالة على الدينة ال مد بن حاد المحلق في على إن المحادث الأكاليو بن ومراحد الدينة عرفية المحالي ب

رید اما همی ۱۹۰۰ در فرو بعید شمیر تا رود صوح امر مرده ارائی ما در اس. رود صوح امام دم دو زمید را زماد در

С

و الماراني ما في خريده الدول في والمسرور والي الدول ما في مداعلة في الماراني الدول الدول والماراني ما في مداعلة في الماراني والمدين الماراني الماراني ماراني الماراني الماراني الماراني الماراني والماراني الماراني الماراني الماراني الماراني الماراني الماراني

ر و پهرانيدو هاي دادي داري داره درد بد کر خان السان کاري در بد دار درد:

والا و الوالي الوالي المالي معادل المالي والمالي والم

Mary and the state of the state

- Course of the Course of the

رو می می ترکید اگل میگا بیدا فرد کیل دارد این در در این در در این در در این در در در این در

استار والراب ال الدين في الوارد إلى الدين المال ال الرابط الرابط إلى المال ا وقد والرابط المال ا یون به مین این طاحه فرسی داده استان به سور از مواد در سید کو فستان به و شاد در سه سخت از کار شای در کار در در سرای بازد. بازاد در از این استان از مالی الله کانکافر دادم

ر حور الطراحية مناه الاستان والما والمراود والمراود والمراود والمراود والمراود والمراود والمراود والمراود والم والمراود والمراود

الدخالي مقط في طيعه ۱۳۰۸ بخاص بيد الراسط في ميدان الر الدائية في طيعي ۱۳۰۸ ۱۳۰۸ ميد ميدا

A CALL THE PARTY OF THE PARTY O

100 mg / 100

ده و در او سده همای با در ها ده اینان ۱۳ مه او ادام ادام ادام ادام ادام هموادا سد ۱۳ مه در ادام می در ادام همای در ادام

راد الحالم (100 مل التلاكثون). راد الداكميل (10 (مراكريزيك) شامر

ان البناة (٢٠١١) من طبق فيها من عاصر و أحدود الزارات ومراحات البناة في القراء رده بود العقد إن الرحاد إلى ترات الدينية عقد رد والمراقع العقد الدينة في الدينة والدينة بها رديد على مريدة الرائدة الحينة المحمد عام رديد المحمد على الرائدة من طرق الدينة من مصدر عام الرحاد العقد مو المطابقة المحمد والكانسة الاستانة الحداثة الحد

نظر او ودایمه به حد تو بیداد سدد. بدر مند کامان و در ماهند و همره ۱۰۰۰ با داسه تو

مناه المناه المناه المناه في حد يه أما المناه المن

The state of the s

الله الميد من ورا فراسل في فقعود (1974 وزان) وقد و الاز المواني والميزان في سع 1976 هـ الميزان مع 4 معر 1976 ما الارسال في الارسان في مراس الاز مراس ورا مراسم الله المداعي الارسانية المان الميزان

درها دار دانشده. ۱۰ در سده در دمج الدربي دار از جه اي خود

۱۰۰۰ داد که ند فرستر هستی سدر فرای در دید. د داده داد ماهددان . ه

مراوس به فوای ویاری سراز آید از از اسین در سراز فی در این افراد و افزانی این در در در سرا شده این این در مدر بازی اسین در در در

در الما الله المساول و مرافق والوالي المطاول و مرافق الوالية و المالية المساولة المرافق و المطاول و مد الدا الوالية عند الله المساول و المالية على الوالي عند المالية و الموالية المساول والمالية والموالية عند المالية المالية المالية و المالية و المساول المساول المساولة المساولة

ر اور المدول موالي مديد من الموريقي مو ... معالي المداولين المدين الموروق الموروق الموروق المديد في المداول المدين المديد في المداول المدين المدينة ا مناهد از به استان المال المال المراد المراد المراد المراد المراد المراد المراد المراد المال المواقع المواقع المراد المراد المواقع المواقع المواقع المراد ال

را در المحل الرا المريد المراد (100 ميد مرد المرد ال

٠.

روان المراجع ا المراجع المراجع

ر در الما المواقع الم

ر هر پاه خود در این در این از بردی و این احداد در دنی به است بر این مرد به روی در این است به از این ۱۸۰۵

200 March 200 Ma

کان ماقد فیده کند به ایران بید و داشت با در ایران با در داشت با در ایران در در ایران در در ایران در در ایران د در ایران ماد به در ایران فید بر در ایران در

هديد. هندار ارتي حري حق دود دود تدريد و سب مدار استان الدور هي مياريد الراب اد مدار ما دود دور خواجه دور تو و دور در

بادار هر ادر و خوابد از ادر و وود بریا اد ادر در عبد از بیش در افزید در بادر بر باد بر مع داد از ادام همز ما از برد داد بر

بالدائد عن الداء و المسير بن طو الإنطاق الله المديد من المساليات الانات عن المياس اللها المات

د مردند بر رب بر من بندید ده. در ترمن تحقیما کاستاند در تحقیم

ورد حاربی این جامه است بخی بر حی بزار از برا بنده این هدر آه سر هرانمه بد خادید بر دولتی این خارد سر بین قطط نمید فادید بر داخیر این خارد اس

رد آرخو می دو دو خط کاف کادائی گایا آرداند این در حد حق در دارانداند در در در در ۱۹۸۱ رفتنی ۱۹۹۸ روز در دارد در در رد ۱۹۸۱ رفتنی ۱۹۸۱ رفتنی در ۱۹۸۱ رفتنی در

فرو این مهدم می آن سند در سد او آنی می مورد آن در آن که این از از آن این بو جدیدها پس د شده در آن به در از در آن از از این در فرور میداد را شدور در پرمیر در

ال أن ما يحدا بعيد المداد بالتيم في ذو دود أن مد الرام والمديد الرام بين مثلاً

ALL DE PROPERTY.

particular and the

ورد میز بر محد با اعتبار به برایخ بید مر محد بستر وید در پرسام باید امید جدید است. این امید نصر در ماز طر رفت است شدند در امیر طرح دار سید را در رفت است در اماد است. در دار سید در اماد در در در در داشته است.

الكال المشارخ (19 كالونانية الحالة ولي وين المعاد القرير و (19 كالونانية و (19 كالوناني

ن طا سم ۱۹۰۱ به دین که کال در بی باز مرابطی و کالافتان او بخوره بور به آمریکی و افقا لار درسه واهنو ور جاد مسا دنده

.

ا الرفية في هيدسية ديم شامه دا الرفي الرحافظة هناه في في الأفراد بلا الرفيد مهاهرات الرفيات في أنه مصور بالدارية في هرفت هذا

المرافق المرافق المرافق الما المداخل المرافق المرافق

و و در روزه فرون ۱۳۷۶ هرد به الأمر مسود فيه ۱۳۷۱ م كافر به بالأمر از اداعاً ي پرون ديم مار اصدي. در او اداري (۱۳۶۷ داران مواد اعداد به ماهاد اور در

> بالهادات عاملاناتها ماه بي تفاصير إمالات الرسار ()

> > . .

المها الذا الله إلى يكونه أن تطيق على إليان الما المها المها اللها المها الرائد المها الرائد المها ال

Start of the start of the

راهبرد من او حد مدخورها مد بدارد از ۱۳۰۰ برای در دربرده در بهوان اهدار دهدرد. برای خرار این خرار مها در سال این در سید راهبرد این خرار مها و در داده در این در سید راهبرد در در در داده در داده در این در داده در این در سید این های در در داده این در این می این اقلاست

الله الله من أمير والله والله والله والله المامة المامة المامة المامة والله والمامة و

ایگر است میں در عقم برد فیطی ۱۳۵۰ پیشر ۱۳۵۰ تاکما در طرو آن پیشان در میشاد در میداد در بر عام اللہ ماری آن المان بد رسان ۵ 🗷 اللہ

مین میران این داور حص است در است به در است این در اماره ۱۳ در طور استان از استان این است این این امر امر امر امران استان استان امران امران

ر بدرد الاردوان الاردوان الله ما ۱۹ الرائم) ومردوان ۱۹ فرمادان ربعاً حرد عاماری البدار دادار دخر ۱۹۵۱ وما مردوان الله ترسطان الرائم مادادان

رسم فعاليه خاط باهد به اجراز آند الآبير از بالبراز از انام 16 ميا افرارات انام ان مياه از مانان به ايدار ۲۳۰ مر خري ميا

د در این در خدا کارگر شده از شور کست مده در این که در این که این این بر از بدر در در این که در این ایندانی بدر یک اطراح در این در با این که این سب به رسم این با این شده این در در در در در در این در این این

ری اصف اما در مصفر فرید و است اقاد ... دا صفه و استامی و برداخش و اصفیات می در سمت و اصف در قبیم و اما فره دارد. در در اصفیاد این فر اید ایند اصفر بنام

عا مدير در يا باير حال

gPA is All for a

للاقتيم لوجيدو البادية (١٩٥٠) بمضابعة

يري ميلون في حصور شوخ (۱۳۰۰) او اطاقي الروز ميلون المحالي المحالي المواقع المحالية المحالية

ریاف می شود او خارگار انسان ۱۳۰۸ ریاد آن دی. ر همه الله در خواد بقاله ۱۲ شده در حمرا مد

دان المادة المادي الموطوع المادة المادي المواجعة. أي ان المراجعة في المسلوم الأحدة المادة في المعاد

در در در ده ۱۹۵۰ داری ۱۹۸۰ داری در ۱۹۸۰ هنده اماره استان می در در درستان ۱۹۸۱ هم در در در در درستان استان می درستان ۱۹۸۸ در می افد کردن از منا شد سال برای این

مدم محادث هی در ماه و در به مد در میداد. مدم الا الا مرده که این احادث الا در الداد در ها الداد میداد می میداد. داد میداد اساس میداد میداد میداد در ها در میداد اساس میداد میداد میداد در ها

در که سپوستان با در بر که اهم به راستون که با در کاره کنیک ماآرین کارک در کند کریش بیشتر کارک کند در خوری

753 100,000 200 700 1

بر فرواندو رسد در فعائلہ اس ر**ک**بر کا باحدہ اسانہ بر اسا

دان فرق ۱۹۷۱ ویل میشداد ۱۹۰۰ مر طور کردید. درین آنهایین دید آدستج فانسید رید: فعالد اینیا این

ها در باست دو افتر الا طباط الم سر بر العها الاحتراق الم المرافق ال

والوحدة بالإساء الاستان الاستان

Annual Control of the Control of the

A STATE OF THE PARTY OF THE PAR

بدائر بادخائر البراد والرجاز (۲۱ ما ما هيد سيسانيات العراد بر وهيد عال وم لعيد الد

The state of the s

نامه ریدی پیدامید در باد رید باشد زد ریدیوان از ریدان درید زیدیوان از ریدان

-

ردیدی تو میدوند است. دادیدی میده اسد د میزی میدادید در جوارد به حدد خال ۲۰ اید اند.

در از مردان مواحدهای ه ... معددها حدد

ر الشير مرباً ميك ميك و الميام و الشير مرباً الميك و الميك و الشير مرباً الميك و الشير مرباً الميك ال

يات الوراق في المسيول (١٩٠٥ عدد ميون بيد أو و الرقاق والواق والمان الله أن والا الموادي يا ياد المان الرقاق الد

مياندو هندي ۱۸۰۰ باد و منصد ۱۳۰۰ ۱۰۰۱ م

من الدياقي في خلق دخيار ۱۳۰۵ در ما الميت الدياق الميت ال الدياة الميت ا الميت المي

بدار فیدار در مهیده ۱۰۰۰ از مدید در حدا در است فیداری برد و برد که ۱۰۰ از میدات از در در در فاشد در دید باید در افتاد داد در در در افتاد در در داد در در در اد در می با شاخه فیدان در داد در در

The second secon

The second secon

والور والمواد بالرب الربية بالرباط والمداد المداد المداد

ports.

نون برون مدار رده و طاله و والدون و م راه ما الله مده فقد من حداد و ماه و ماه دونا مرحاد به الرون هذا و المحمولة و حداد و ماه و ماه و الما والدون به رونا من المحمولة و المواد و ماه و مرحاد و بدونا من ماه و الماه في المواد و المحمولة المواد الماه المداد المداد

ر مشار الرساح والمرافق المساور إلى الأدارة المساور ال

الله البيانية في الشميلية الأرابة في المصافحة البيانة. ** المحادث الدرائية المسافحة القالمة في المسافحة والدرائية الدرائية المسافحة الدرائية المسافحة المسافحة المسافحة المسافحة المسافحة المسافحة المسافحة المسافحة

المناطقين في المرا الماوات 100 من عطائق المرابع في المجاهد المرابعة الدعاة بن المامي عطائق المرابعة من مرابع مدائل الاحتلاق فيانات من منهمة ، ومرابع من المناطقة في المرابعة منهمة ومناسقة المناطقة المرابعة المحافظة المرابعة في المناسقة والمناسفة على المرابعة

A to call by the displace of the open place of the call before the call before

طر في أحياة التاسيق وطلباني الأخر مستأنه ويدا أجانا مدانات الارتفاق في البيدات في البيدات في التي التي التي في مان مرافق من

به الدائيتين في حين الدائمة (١٠٠٠). دره القراق في خالبه (١٠٠١ قر ١٠٠٠) در خيد در دره القراق في ساعة مراد بدر درم أدب دره إيناه سيد آلية (١٠ ما در آن ايل در سرة عاد الدائمة)/ . عاد الدائمة//

79,000 10,000 pt 10,000 pt

v

ر مين وارتي حدده پيده است حدد ي اوليده ۱۰ افريد استينت سراي فاوات اند دار خود ادر اين جواريد در صويه ي خدمي ۱ دار حدد سند دارد درساي الخوار فاداد مد

مونیا، میدانی که ایدا باد اما ۱۰۰۰ باشهر ۱۳۳۱ را اما در طور بیاد بر طوره ۱۲ ماد از انهای می در در را اما در اما و ها ها معدد بازی سند کارش قام مدا بخوراد دارنده ایل قام ایک وصرت بازمه در مدا بخوراد در دوردایات کارشانات

برا الوسر برجه باشد الوشاب. الدر يطاقت في برق فليل فلمو يان مدينة. بدرة الارداء في السراقان ما فراد القالات با نو این کامتو شو به مید آمید بر آن پارس را در رو به دادان اللی ... داد که در مید آن دد کا فر در دو به در اللی داد به این از که در اللی داد داد در این داد کامتر بر این است روی در میداد کمی را می این کامتر بر این داده روی در میداد کمی داد در میده در داد کامتری در میداد کامی داد.

A the fact of the

رب در اثر این از خو آمای با در سخ در این این این در دارد های سالم در در داد در در این در د

. . .

الرائية والما الرائية المنافذ المرائية المنافذ المرائية المنافذ المرائية المنافذ المرائية المنافذ المرائية المنافذ المرائية المنافذ ا

 \mathbf{q} and \mathbf{q} is the first property of the contract of th

The state of the s

راهندي و باداد الديناني د ۱۰۰۰ د باد مي و داده. در داده د در اداد د در رای در در

A CONTRACTOR OF THE PROPERTY O

ربو سکارهی و به افتاد در در دو دو داواند اس بر بر ای بری بو جنوب ۱۳۳۵ سکند کاری در در بازی میبادی کار در می دو در در دو امریکا کو در بری بازد استان ما دو دو در در در دو امریکا کو در در در بازی استان ما دو دو داد

ر برون و درما رحاد است. از این این بر با جمعود مند و سد داند اس

رساست همید ۱۰۰ مادر از باز در هر و مادر ساید بازید دارد در ادام در از است

روز اورونی (۱۰۰۰ کیلوب مورف الد روز اینجو این سر این کلیمیاه (۱۹۸۸ مشد این برای مدا معرف بخشان بر سعد اینان از ۱۹۵۸ ما اینان برای برای اینان اینان

ا من المرافق ا المرافق المراف الرحين خواه هي دو الرح في الكرية الآلان المراجعة المراجعة الألان و في المراجعة المر

هند فهرس فی حصور الرئاس ۱۳۵۸ برده الاشتران به بهر در الارسان الرئاس الارسان الدر با مرافظات الدر برده این حور این الاستور پاسد در البلادی الاشتران الله الا

ند اد بنیم در حدید از احد سور در سیاد کار کا ادران بادید و ۱۲۰ مید باز ۱ اداران اد بادید و از ۱ اداران اداران

And the proof of the last of the part of t

د کرده در در در خانده ۱۹۸۱ به ساد د کرده در هم چاهود در ده است د

الارتفاريق في أني لا ينفو الله حد المهام المعادد و المهامل (100 وأن الله 100 فراسل (100 وأن ا و الا المهامل (100 وأن الله 100 وأن الله اللهام و الا إن الله الأوال وفي المهامة (100 و من البالة

ده می و بعد فدی سید به به در بد طرفادیده و است

س فراسسه هده ویش در وجد دارد به داد در آن سار در دارد در کند از درد برس شد بدر میدادند. مایر ها در فرن در داد اشده در آن بها در سد در از درد در در درد این در در این در درد دارد از درد در در درد داد است در درد داد داد داد

در و رساند فران از مواه **کا**. د فرستو (۱۳۰۱ موالارستان) مشدر و مرد داد فرستو (۱۳۰۱ موالارستان)

مند خالصد آل در آل کا در دو در براید دل درایده کا خاصد میرمدی در مختصه افزود کا کارد زیرو مختصه کارد و کارد زیرو کارد و در در در دو د

سان الرامل الدين من في مرين الآن لا يرب الد مريز بعاد الد رقة أيما في فرد الرمز والرواة (١٠٥٠ - ١١٠ ي. ر.

JUNE DAY

التي مه بالتي تفاصل الراحة من المناصر المناصر

الله د الحديد بالزيد بالرحد الدراسة الرحائية التي المائية المائية المائية المائية المائية المائية المائية الم المائية والمائية المائية المائي

ره الهام الداخل الداخل المسئل الداخل الداخل

. .

رون دون الواقع المراقع المالة والمالة والمالة والمالة المالة المراقع المالة المالة والمالة والمالة والمالة وا المراقع المراق

الله المتعاقل من في المنهم المدرة (100 أأم المراد المراد

رسم في مدينه هده در في مدين طوارد المداد المدينة المد

در برد على وعد الله الشيادة إمالية أ رسيلة في في الري أو أسبح على الصافي البد معاون منا. الدر عدد المادة والدوغاني الداك والسطور الأ والمهارة الراس المهارة المادة المادة

ند في کائر آدادي هر فداد. نده پيده وه اداده ميد بر حاد ود الداد دريدي مر هي فيرموهد.

الراجع المراح مريز منه الرامع مريد ويده الرامع مراحة من المراحة م

بدارسون در مار رحد خراهید به بدادی از خراج مورد در خراهید به بدادی که در و هوی ۱۱۵ کادی در در دادی در داد در پدر طی در ادادی ادادی در داده دادی چراطی در ادادی دادی دادی در داده دادی ها کسوند کندر خانی

الله في الماكن الماكن في الماكن الله الماكن الم الماكن الماكن

property and the start of

A STATE OF THE STA

عصص مدد: اوما الارتفاء كريتام رضون على و ايراً أن سبق طيد وليل ملا محمد برد أن مدد له محدر له الطال طريبان.

بداد فه حصور دی احضای طریبهای راد کردن دانده و دادیکش داده در وزیرس داده راد کرد درس و داد کردن از اطاق کاست در شد کند کرد مید می حالت می ماد کار داد مرسا فی شد

ماه بطأ ما منز طبه في بايد تراميل في الراميد. ** در خوميدي رحمت والدواهان بايد الزور بيد الدوام في قدم عصور مده عند ماه مداخر في في ∰ در الله فان في قدم ** دار يادرسرد و مداخر في الواد إنه الذي يكن له يادر رحم دار يحد عند

رسد الله القوم إليان و التأكير والله و الما و الما المرافقة و الما و المرافقة الله و المرافقة و المرافقة و الم والمرافق والما أن الما المرافقة الله الما الما الما المرافقة و المرافقة و الما المرافقة و المرافق

ر المرافق و المواد المرافق المرافق المرافق و المرافق المرافق المرافق و المرافق و المرافق و المرافق و المرافق و المرافق المرافق المرافق و المرافق

ده ما اما به هر رخم برید از جاد برد. وما از هاد راسان بر سیا برای مار بود. راهمی اد

۱۰۰ ۱۰۰۰ کی خیم طوطی ۱۰۰ د در در دین - بنی طاعید دو این در دوا و بنگل فاحل ۱۱۰ در ۱۱ دیگا و بنار است.

رد الديمان (۱۳۰۰ واليون (۱۳۰ ريز الرياز (۱۳۰ د الراقع المدر بر سايا در المام مرسيسا مراي د الراقع الدائم على ارباق بالبدرة ماه راسد ريم المجادلاتين

شاهریش داده در مسرور مدامسید. به اور خانان بدر اماریش در حریش درباید. در داد نمید عال در در در در داد عداد بر ب در باشید داد

رة بكتب . الد والأدار سورها 1 إلى عيد والرداة عنها والأدار الودر لياليان والذاكم ود وبالأالت

بالذكر خانون شربالدكي والخاطر حد عبدالا المسا بالذخاء في مرد عدد البريانة بيكاب عديد. الد بالذخاء في حدد عبدو، حرباء أسم أمو الصياد عل ا

٠

به آمو همیده فریش او حصب فردیه ۱۹۹۱ دادها سر او حضیم فدید ۱۹۶۱ دادها در در در در در فاصله ۱۹۳۱ میکار فصل در

رامیان م بعدار مداون و انفوستور آناید انتوا ۱۳۹۳ با آو می افعال بدائمید بدارد از دار اس بدیا

الما الرواح المقال المتحدد والمراكز المراكز ا

در المراجع و المراجع المراجعة المدينة و المراجع و المراجعة المراجعة المدينة و المراجعة و المراجعة و المراجعة و المراجعة في المراجعة و المراجعة و

دی ادی آن در میزان به آن بیش بی در ا اولا از سران قصر ریاسه ایران ۱۳۰۰ رفتر ها داده هما در فروستر در فعاله میزان معرفان مداکر معادیدا، فاسس رفتانه و ایران در



الواقع الرئاس المستقد المستقد

A CONTRACTOR OF THE PARTY OF TH

رائي هو برق المعادر الله يعم بر سند أرسيد را قريق بر بري بر عقد الله الله مستقى عو بق با عقوا الانتخاص و يا الرياس عقد و يعم يه بر عقام النا من بريا بالله الله في الانتخاص الله بالدين الريام الله الله الرياض و عقد بيناً عن

..

ب جمعو و رای باد کرا و داد بر طورهم شارما پسر مدر بردید. ۱ و ۱۰۰۰ دسال کام ما رساد برما به بر

And the state of the property of the state o

ربه منصد في پيشت طق الرويق، اين الانهد باردامي در سه بران بها والآواني دران في قال درمان درمان درمان درمان در باردان در از درمان الانها و الموجد من الانها بعد آن حران دراني باردان في ما مدين به الله وينامي درماني بعد آن حران دراني باردان في ما مدين به الله مي بماهم مهل در في مشاخ بهداران في مورد درمان السال

ازم و در در داخل داد از ساید حصل ... اد وحمل و که هر سو ترد حاد را در ۵ کادن برخل و خدا افران سو در ازم و در درا در ادر در از سر رود الادراز اگر باکار معربین و در بادر دردانش

ارد کی احداث در سدن درد به احداد ناو ساد مودهٔ در ۱۹ است شدین درد اینداز ۱۹۰۵ در فرق آن است م حدر در درد

مربه وسريس

سوا نے فصلے میں طوری پرفشی طائق اراضہ رسیدا۔ پر اوائری الدین دمائش البتاء کی السانی مصحور سے سجین تعلق، پرسماین نے ضبع رسماین کار، انہم دیک الار برائزی برہ الاسمارات السانی و محدد الرائق

رید آمید (۱۹۷۰ واردی ۱۹۸۵ وارد دید (۱۹۵۰ وارد در امید (۱۹۵۰ واردیش (۱۹۵۰ واردش (۱۹۵۰ واسطی ۱۹۵۱ ایک امید را شام در مید در در سد در طار می امید در در شام در میدود این امیداد (افراد این امیداد ا ۱۹۵۱ ایک امیداد میداد این امیداد (افراد این امیداد ا

ر القرائع الطور التا الوحيد المادين براوم المرابع مرابع المادين المدارع بين المادين با مرابع المرابع المادين المادين المرابع المادين المرابع المرابع المرابع المرابع المادين المادين المرابع المرا

The second secon

معدد حرد سرجاتری پرسدر شاه ۱۷۰۰ کی سرد ب فرزشد برخوارات کا در مزیقه فرخه می به در مرحه درجو هدی خوارد کام

ر د دونه رب فهو ۱۰۰۱ باد کرون برا بردو پیداد کرده و المسود و فاشر بدو در دو تید او خانه ۲۰۰۱ در اداد در داداد در در دارد داداد در درده در این از داداد در داداد در در درد

The state of the s

ان بدراً در بعد هد است که دار الرحارات استرا (سد راسط کام بخود بحداد که کر رست و نقل کار دست دار طایع است. بدا که ایر دست درد اگر

والرغوار والمساور مساعد فالمار

ر الله بالمثال به طاح (1965) الله في الرائز و الرائز الله الله من هري الدمن ديم الله الله الله أن الرائز الرائز ال مسيمين الرائز الدمان الرائز وله الله الدرائز الرائز ال

المنافق المنا

٠.

ده در باهد یمی شاخه از از خیا در سر ادر از بیان ۵ که در داد دختی از داد بدر بیشان در سال کند، سر در بید بازد بیشان در سال کند، سر در بید را

واستوفي در وه آس رد سم ۱۹۹۱ راسه ۱۹۹۱ راز در ۱۹۹۱ راز در ۱۹۹۱

رو سام ۲۰۱۰ در خور سفر در بینا در دراه در شاه در دروز آماد (الاردامات الله ۱۸۸۸)

رود در اورد کانت کار به او به او به او درد در بازد این هاشتر به او به اینام ایند بر

ن المرابع الم

ندر کار باد پیدائشید. پات هند خاط در سر بی دفورد ساخد بد باد دند باگر هدیمی در پندازد، کی در برسد

٠.

د از در خود به درس به کار بشدر بد و سد. از خشد را نظر این از این از این در سد که حد سم ۱۹۳۰ در کار در نظر ۱۹۳۰ را در ماند سم ۱۹۳۱ را در در این در ۱۹۳۱ را کارد در سازم ۱۹۳۱ را در با در در باید در روسی

الدائر بيان بيان ما الدائد الرياضي الا و الدائر الدائر الدائم الدائم الدائر الدائر

ره مد آفروشنی دارده واسط درده به نویز طرخ ساوران داد و آورد در این سری در آو طال بر المهر برسانها مدار داده داداشته سنا مدن و بر المهر بر مدانا فارسان و مدن در این در حاط آو مادهای داداشته این در این در حاط

A CONTRACTOR OF THE PARTY OF TH

د من من الحق الدول عند الدول الذا . الما يعلى الدول عند من حادث في الدول في مدود من دول في الماضح الدول من الدول الدول

مير در آي مخاصح اثار إن ماي دران اي اي ايد. ايدا دا منطق در سر در طوح ۱۰۰۰ در دس آي دران منطق روان ماي آرس امرفع سر دارياد دران اطلا النبد آياد در در دران ارسان ادارات سد چيد ايد.

ید. اس. در به فحال ۱۹۹۱ کار اینا فصر در بخید فیشنا در در آن کار ۱۹۱۱ داریان در طاه کارهای در مید

المناطقة ال

مدرون. ومدر معدلها الدوار و ويتاريز ريار ال

ماه و دراید که در دراید و این در در این در این در این در این در این در در این در این در این در این در در این در ا

ارستان بدر می و آمور بزناد درید اد. اینا است این اداری اداری اداری اداری اداری اداری اداری اینا اینا بر می از است اینا از اداری از اینام در ایرام اداری اداری با اینا از اینام اداری اینام در ایرام اداری اداری دریان اینام داده اداری است با دریان اینام در ایرام دریان دریان اینام اداری دریان دریان

کی کی مریخ کی خانونیست ۱۹۰۹ مطاب کا سخر بیش روز بادی می کاردن کا پیش کا مشای بنا بری برگ برگار دهندند . . . کی پری کا شاه کندیت

And the state of t

رفية كو فعيد خديكار هلا طب بيانه 10 مد قاله دول بحواد دادية مر اين كل يحو حجه المحاث فعرد كريدم أن الحديثة عن

ميار او پر چاپ مستوره مد هاد او بخد پرد بخد يو مصوفه ۱۹۰۰ مر بخد و بخد او استواد بخد او فروس ايو فقد افدانسه

کرون مطال فوسر بادیا کیا کارند براعتراض انتہاد بنالیا در شاہ طرد کی ۲ استان در بن دا افغاد درد ناک اطراح کانتہا

2000 J. Sept. 100 J. Sept. 100

دره هیده ۱۹۰۱ در در در شده ایست. باید جایش بیشه شد بدن و بیری به دره ۱ مدید. در از از این بیشه شده در میران جاید در در این باید. بیش امران این در در بیران جاید در در این این در سال باید

ر بالديد في ويقها مطال رحاما الآن مهدا الد. الرحال في ويعد لا فيط أمير مهداتك الأحد الأدارة المستدر في المحال في لها الله الإطار الرحام متر رحاق أمريد القري (1 4) رحامة منز رداجها المهدد الد.

یک در پری کر خشخته ۱۳۰۱ میرود به خالد پر در باد بری فرهای میکا در بری کر در میکر بره کر کی درد در برد ۱۳۳۰ ها. بری پیشن کر در میکا در ماد در اگر در سید کا.

The part of the pa

مد ريد هد ويد لو داد د لريد المد پريدي و ۱۹۰ مداير استان الدارد لا تر ري تر فرايد همي ۱۹۰۰ نداد دا الار

والرديق فاسدال

به با الدولية و براست. من الرابعة الدولية به المحمد إلى من الدولية ا

A CONTRACTOR OF THE CONTRACTOR

به التوزيع منه باز مطور باز الدول التوزيع المرافق المرافق المرافق المرافق المرافق المرافق المرافق المرافق المر لا مرافق من منها المرافق المرا

الموسى ومعاون مثل وداده ورشا برواط بر و وقد بر المدارسي ورسون مراجع آدري ورياده وقد براه الدارسي ورسون براهم آدري ورياده والدران الدارات والمات وليهن الدارات المسادر

A THE PARTY OF STREET AND A STREET

الرياحة (ديناني على بد يود فرانسادم و مجد الدينات دا مدينات

درد المساورة والمراجعة وا

روي تو خرج لده به اداد و ده افا و سواحد فورها (۱۹۵۰ در مو اوروری) و ده الاردور ای ساید تو هم و اور سار دوما و ده تصدير مدخر مداورد

رود هوی ۱۳۰۱ ها این میده های میش در این قام در شمر در این ماین برقط در در قرم در میشد امن اصطاری مانند دید در در قرم این میشد اس این استان میده در میش

م معرفي معه روعي الاحداد الله بعرف ا الحمد الاحداد الاقتراباء لقاياة اعتراب الا ا

ميدان المراجعة والقرائل المراجعة والمراجعة وا

٦

. . .

خان باده مثر آنگویه متر که تر مدید. ماه الدامه به ۱۵ در شد (۱۰ مد موسد در عرب: ماه مدر در ۱۵ در در اید در معاولات در مدید در

د از در این در این در بعد اشد. در با در این در این

ر ۱۰ والو (10) او آداده مغیل وارد مو النظره استان

-0,40,0

لوطن در فراه بای مطرف که محور دوره پرد او این باشد در اداره او باید دارمو در این فقط ریده در در اداره اداره باید دارمو در استان باید در اداره در اداره اداره باید دارمو در استان باید در اداره

نام اداره و الما الرابع المرابع المرا

ر ۱۳۵۹ واستان ۱۳۵۰ کهن در طور سند که داند. در ۱۳۵۱ کامل کاملی داشت که در بیشها اطال دیداد در ۱۳۵۱ کامل کامل در در در در در در این کامل ۲ کور شده در کرد ۱۳۵۰ می کامل در شده در در شده

الله ميدان مدين المدين الأحداد في المدين ال المدين الله في المدين المد

بر الله القول في والزياد المرادة بالمرادة المرادة الم

الد الوقيق (۱۳۰۰ ما الوقيق في د به الرب يه الرب يه الرب الدائم الوقية الرفية الرفية الوقية الرب الدائم الوقية الوقية الدائم الدائم المساورة الربائم الدائم المساورة الربائم الدائم المساورة الربائم الدائم المساورة المساورة الدائم المساورة المساورة

ر باد هر مصرات ۱۳۰۱ کار میرانی طبطی ۱۹۰۱ کار پرید بر از ۱۳۰۱ کار فرور مدارز مصرات اس

ا من الهام الهار الاستراطون الدائل الدائل والد الله عد الله المرافق وقراء الا أداره بدائد الم الدائل المعاولات وقراء المائل المرافق المائل الدائل الدائل الدائل المائل الدائل الله الماء المساحة في مصاحة في الماء الما

بات فعي تو تغرف ۱۰ تا تو شبه فسيوات د ۱۱ برد بها الهاك فعرد الد دو الد در الو الداد ران مرد مينا رمز سارد داد در الو الدان ودر الا در سر رفاط وسر در الا دران در در در

ا المساور الماري و المراجع و و المعاولة المراجع و المعاولة المراجع و المعاولة المراجع و و المعاولة المراجع و ا المعاولة المراجع المراجع و المراجع

يسق داده . عطا سيد قد ريد او ساده ده ولايتفق ۱۳۰۱ مصاد و فورسو سفو ، وادام داد السرايات و او اولوس ، او سيد او ادر مونة الرف الله يدرينا و اداري طو اور هذا

میریده چاد از را مصری فراه شد. مار اور میریو کی اصدی فراه ماه ۱۹۶۰ : پستان مستور ماه های این می فراه می فراه این مستور استان مستور این از این می میشود استور این این میشود استون این آن این این

هند چون به ترمیدی و رفز دادند همید کند. ها و رخی باقات این نشر اطایق دادند در اید الاموند که به اینانهای دادن داد: ۱۳۰ از رود در سعه در سام و در های اطاری باز موجد کند. کار این میزاد این سعید کند.

A CONTRACTOR OF THE PROPERTY O

را و او در مود م در اداری میداد م در اداری در اداری در خاطیه (۱۳۵۵) در اداری در این در اداری در خاطیه (۱۳۵۵) در اداری

۰

دید اصلی ۱۹۷۱ در طور به امس مر آن پیر مر رس ۱۹۵۰ بست. ۱۰۰ بسته ایما دید ۱۱ نوسوانک کا فیدند سه

rent parties of the second

ریماً حید حدید را این فصر رو فیتان ۱۹۹۰ فیتانی ۱۹۰۱ کامانز فروستان سادس اسر معادر این فعردان محددیان کامانیان مثلا معادر فاصر ایمانیان

در مرابزید در بدیخ معرب میدن و مرد و مرز د و در بدر و در دو درد و در ا

الرابطة إلى من في القيم المن الأدامة المنز الم المنز أن المنز المنظول المنز المناطقة الأدامة المناطقة المنطقة المناطقة الأدامة المناطقة ا

ه من در القريق المنظمة في المناسبة المنظرة المنظمة المنظرة ال

بين و من دي اير ميدي داند. د ايدي مار اميد به د ايدي ميدادسي ما يادان درجي

ر فرون مرود المدورة المدار والمان المواهي. اد المحلق في المتحادثات الأدادة المراطقة والمدودة المان مد قيمت إلى المان المراطق المراطق المان

د مای بید کنید در حد از مور در این باید در می درود: در اینام معهد بدا کار در می براشد.

- white the second

الدين غرطة الد الدائمي ميرة الد